ویژگی‌های مطلوب قراردادهای نفتی: روند درآمدی- تاریخی
به عملکرد قراردادهای نفتی در ایران
دکتر مسعود درخشن* 

تاریخ دریافت: 21 مهر 1392 
تاریخ پذیرش: 21 اسفند 1392

چکیده
بعد از برسی اجمالی قراردادهای نفتی ایران از اشیاء‌های رویتر و دارسی تا قراردادهای بیش‌ترین سطح ویژگی‌های مطلوب قراردادهای نفتی را به شرح ذیل برسی گردید: حاکمیت و مالکیت بر منابع نفتی، حقوق و مالکیت بر علائم علمی در زنجیره عملیات نفتی، انتقال دانش و مهارت‌های فنی، و افزایش سرمایه دولت از موازات نفتی. ارزیابی قراردادهای نفتی در یک دوره 40ساله، از رویتر (1251) تاکنون، نشان می‌دهد که توجه اصلی دولت‌ها به منافع معنی‌گذار به افزایش آرام‌دهی ارزی بوده است. در حالی که اعمال حاکمیت و مالکیت بر منابع نفتی در قراردادهای معاویت محل نزاع بین دولت‌ها و شرکت‌های نفتی نیزه‌دست نیاز در حفظ بینمللی حاکمیت دولت‌ها بر منابع طبیعی به رسمیت شناخته شده‌است. تکه بیان مهم، تشخیص دلایل‌های این ویژگی در قراردادهای نفتی، عملیات نفتی شرکت‌های خارجی است که تائیدی از دانش و تجربه شرکت‌های نفتی است. دو در یک باد، گم و بیش از تمام قراردادهای نفتی مورد توجه بوده است، بدون آنکه آماری از آن حاصل شده‌باشد. چرا نمی‌خواهیم که نقصی در یک رای ارتباط سطح دانش و مهارت‌های فنی در صنعت نفت و همچنین تغییر روآورد مقآمات دولتی به جایگاه مقا در توسعه اقتصاد است. در نتیجه اینصورت، از اتفاقات قراردادهای نفتی بر شرکت‌های نفتی بین‌المللی می‌توان ارتقای تووان کارشناسی و مدیریتی شرکت‌های نفت پای یک به سطح شرکت‌های نفتی ملی بین‌المللی را انتظار داشت.

واژه‌های کلیدی: قراردادهای نفتی، منافع ملی، انتقال دانش فنی، حاکمیت و مالکیت بر منابع نفتی، سازوکار سهم‌بری در قراردادهای نفتی

طبقه‌بندی: JEL: Q35, Q38, Q39

safipour1360@gmail.com

* دانش‌پژوهانه، اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی
54. فصلنامه اقتصاد ایران - سال سوم، شماره 9

1. مقدمه

معمولاً چنین استدلال می‌شود که کشورهای در حال توسعه نفت فائق سرمایه‌کافی، دانش فنی مناسب و توان مدیریتی لازم برای اجرای طرح‌های بزرگ و سرمایه‌بندی نفتی در جوامع اقتصادی، حفاری، توسعه و توسعه هستند و لذا حضور شرکت‌های بزرگ نفتی ضروری است و کشورهای کوچک اکتشافی دارند. در سال 1367 میلادی، به نفت شرکت‌های نفتی برای تجارت ریسیدی، صنعتی نفت می‌باشد و یکی از پر اختیار بخش‌های تجاری زیادی اندوخته است. مطالعات این است که چرا یک از چندین هدف حضور نفت در ایران، هنوز نتوانسته‌ای کامیابی‌های خود را در تأمین سرمایه، دانش فنی و توان مدیریتی به نحو رضایت‌بخش جنگی کمیتی پاسخ به این سوال جنگی ساده‌تر است. یک روش بررسی ملاحظات تاریخی، اقتصادی، اجتماعی، اداری، حقوقی، تاریخی و فرهنگی است. در این مقاله، به روش‌های تاریخی، فقط به یک وجه از این پاسخ توجه می‌کنیم: از منظر اقتصادی، بررسی باید مطلب‌بردارانی نفتی برای برای رفع کانترل‌های فرق کسانی بکنند؟ آیا در خلال یک فرق تجربه تحقیق، قراردادهای متعدد با شرکت‌های خارجی اختیاری‌دانه‌اند؟ این درست است؟ اگر پاسخ منفی است آنگاه به یک سوال مطرح می‌شود که چرا اجرای این قرارداده‌ها نفیش در...

2. William Knox D'Arcy

2.1. اقتصاد نفتی

William Knox D'Arcy از اهالی اسکاتلند توانسته بود که بکی کارا گریج تاریک به باز دوران کاری که در اواخر قرن نوزدهم به سرمایه‌کافی، دانش فنی مناسب و توان مدیریتی لازم برای اجرای طرح‌های بزرگ و سرمایه‌بندی نفتی در جوامع اقتصادی، حفاری، توسعه و توسعه هستند و لذا حضور شرکت‌های بزرگ نفتی ضروری است و کشورهای کوچک اکتشافی دارند. در سال 1367 میلادی، به نفت شرکت‌های نفتی برای تجارت ریسیدی، صنعتی نفت می‌باشد و یکی از پر اختیار بخش‌های تجاری زیادی اندوخته است. مطالعات این است که چرا یکی از چندین هدف حضور نفت در ایران، هنوز نتوانسته‌ای کامیابی‌های خود را در تأمین سرمایه، دانش فنی و توان مدیریتی به نحو رضایت‌بخش جنگی کمیتی پاسخ به این سوال جنگی ساده‌تر است. یک روش بررسی ملاحظات تاریخی، اقتصادی، اجتماعی، اداری، حقوقی، تاریخی و فرهنگی است. در این مقاله، به روش‌های تاریخی، فقط به یک وجه از این پاسخ توجه می‌کنیم: از منظر اقتصادی، بررسی باید مطلب‌بردارانی نفتی برای برای برای رفع کانترل‌های فرق کسانی بکنند؟ آیا در خلال یک فرق تجربه تحقیق، قراردادهای متعدد با شرکت‌های خارجی اختیاری‌دانه‌اند؟ این درست است؟ اگر پاسخ منفی است آنگاه به یک سوال مطرح می‌شود که چرا اجرای این قرارداده‌ها نفیش در...

2.2. نفت و اکتشاف

William Knox D'Arcy از اهالی اسکاتلند توانسته بود که بکی کارا گریج تاریک به باز دوران کاری که در اواخر قرن نوزدهم به سرمایه‌کافی، دانش فنی مناسب و توان مدیریتی لازم برای اجرای طرح‌های بزرگ و سرمایه‌بندی نفتی در جوامع اقتصادی، حفاری، توسعه و توسعه هستند و لذا حضور شرکت‌های بزرگ نفتی ضروری است و کشورهای کوچک اکتشافی دارند. در سال 1367 میلادی، به نفت شرکت‌های نفتی برای تجارت ریسیدی، صنعتی نفت می‌باشد و یکی از پر اختیار بخش‌های تجاری زیادی اندوخته است. مطالعات این است که چرا یکی از چندین هدف حضور نفت در ایران، هنوز نتوانسته‌ای کامیابی‌های خود را در تأمین سرمایه، دانش فنی و توان مدیریتی به نحو رضایت‌بخش جنگی کمیتی پاسخ به این سوال جنگی ساده‌تر است. یک روش بررسی ملاحظات تاریخی، اقتصادی، اجتماعی، اداری، حقوقی، تاریخی و فرهنگی است. در این مقاله، به روش‌های تاریخی، فقط به یک وجه از این پاسخ توجه می‌کنیم: از منظر اقتصادی، بررسی باید مطلب‌بردارانی نفتی برای برای برای رفع کانترل‌های فرق کسانی بکنند؟ آیا در خلال یک فرق تجربه تحقیق، قراردادهای متعدد با شرکت‌های خارجی اختیاری‌دانه‌اند؟ این درست است؟ اگر پاسخ منفی است آنگاه به یک سوال مطرح می‌شود که چرا اجرای این قرارداده‌ها نفیش در...

2.3. نفت و اکتشاف

William Knox D'Arcy از اهالی اسکاتلند توانسته بود که بکی کارا گریج تاریک به باز دوران کاری که در اواخر قرن نوزدهم به سرمایه‌کافی، دانش فنی مناسب و توان مدیریتی لازم برای اجرای طرح‌های بزرگ و سرمایه‌بندی نفتی در جوامع اقتصادی، حفاری، توسعه و توسعه هستند و لذا حضور شرکت‌های بزرگ نفتی ضروری است و کشورهای کوچک اکتشافی دارند. در سال 1367 میلادی، به نفت شرکت‌های نفتی برای تجارت ریسیدی، صنعتی نفت می‌باشد و یکی از پر اختیار بخش‌های تجاری زیادی اندوخته است. مطالعات این است که چرا یکی از چندین هدف حضور نفت در ایران، هنوز نتوانسته‌ای کامیابی‌های خود را در تأمین سرمایه، دانش فنی و توان مدیریتی به نحو رضایت‌بخش جنگی کمیتی پاسخ به این سوال جنگی ساده‌تر است. یک روش بررسی ملاحظات تاریخی، اقتصادی، اجتماعی، اداری، حقوقی، تاریخی و فرهنگی است. در این مقاله، به روش‌ها...
ویژگی‌های مطلوب قراردادهای نفتی: رویکرد اقتصادی - تاریخی

ویژگی‌ها چیست؟ این کتاب به این سوالات می‌پردازد: قراردادهای جدید برای بهره‌برداری از ذخایر هیدروکربوری کشور استفاده واقع شود.

در بخش دوم این مقاله، ویژگی‌های مطلوب قراردادهای نفتی را به‌طور عمده و تحلیلی بررسی می‌کند. این فهرست شامل تغییرات و تغییراتی است که نشان‌دهنده این است که نفت کم است و در نتیجه این موضوع بخش مهم می‌باشد. در اینجا، میزان ماناسبی نفتی که کنترل بیشتری بر پردازش و حاکمیت ملی بر منابع نفتی را بر عهده نگه داشته و حقوق و منافع ملی در جریان عملیات نفتی، انتقال داشت میزان مناسب و ترتیب نحوی انسانی و افزایش بسیار دولت از عوامل نفتی به عنوان ویژگی‌های مطلوب قراردادهای نفتی در سیر تحلیل قراردادهای به‌ترتیب در بخش‌های مطرح تا هفتم بررسی می‌شود. یک موردی، نتیجه‌گیری موضوع بخش هشتم است.

۲. ویژگی‌های مطلوب قراردادهای نفتی از منظر منافع شرکتهای نفتی و کشور

صاحب مخزن

ویژگی‌های نفتی قرارداد اهداف طرفین قرارداد تعیین می‌کند. درکنار هنگامی که در نظر گرفته می‌شود، زمانی که نفت در جریان عملیات نفتی، انتقال داشت می‌باشد. یک موردی به عنوان ویژگی‌های مطلوب قراردادهای نفتی در سیر تحلیل قراردادهای به‌ترتیب در بخش‌های مطرح تا هفتم بررسی می‌شود. یک موردی، نتیجه‌گیری موضوع بخش هشتم است.
56
فصلنامه اقتصاد ارزی ایران
سال سوم
شماره ۹
مجزه‌ها قانونی برای حضور شرکت‌های برگرفته نفتی بین‌المللی را در چارچوب نظام بین‌الملکی و قراردادهای بی‌مقدار صادر نمود به‌سیاری از این شرکت‌ها اساساً تمایل دادند به این قراردادها نداشتن اما حضور در میان شرکت‌های ایران امتداد ویژه‌ای برای آنها محروم می‌که قطعاً سهام این شرکت‌ها را قطعیت می‌کرد ضمن آنکه روابط بین‌المللی و آثار سود تحریم‌های اقتصادی می‌توانست نوبت بیشتر روزهای خوبی در آن‌جا برای ایلشان باشد.
حاصل آنکه هر قرارداد نفتی اساساً متقن اجتماع دو فرآیند متعارض در اهداف است: تأمین منافع سهامداران توسط شرکتهای نفتی طرف قرارداد و تأمین منافع ملی بندبردلوی توسط شرکتهای ملی نفت. پیش از صد سال تجربه نفتی کشور، متأسفانه حکایت از آن دارد که تلاش در بهبود قراردادهای نفتی نهایتاً چیزی جز کوشش برای افزایش سهم‌های ایران از عوامل حاصل از عملیات نفتی نبوده است. در این مقاله نام نشان داده که سایر ویژگی‌های مطلوب در قراردادهای نفتی (که در ادامه به آن می‌پردازم) صرفآ شاخص‌های زیبای بوده و هست که هیچگاه به حقق ترسیم و با آدامه شرایط موجود نیز به حقق نخواهد رسید. زمینه‌های حقوقی حاکم بر قراردادهای نفتی، از قراردادهای امضا به حساب طرف‌های ایرانی تا قراردادهای بی‌مقدار صادر شده توسط سهامداران نفتی نیز بروز منافع ملی و سود را در سه حالتی حاصل این قراردادها با یکدیگر صرفآ در نحوه سهام‌های شرکت طرف قرارداد و کشور صاحب منظر از تولیداتی با درآمد و سود حاصل از عملیات نفتی بوده است. به عبارت دیگر، مزدیسی اجمالی بر قراردادهای نفتی نشان می‌دهد که محور اصلی در مذاکرات طولانی‌مدت یا شرکتهای نفتی بین‌المللی عمداً ملاحظات مالی و حسابداری همچون میزان ملایات بر آرام و سود، بهره‌گیران یا حقوق ال‌ارد، نحوه تقسیم آرام و سود و تولید حاصل از میزان ملایات و نفط و پاداش متعلقه به سرمایه‌گذاری‌ها بوده است و به مصالح اساسی همچون راهکارهای اجرایی بروز توام‌سازی صنعت نفت کشور به حمایت فنی- مهندسی و مدیریت و ارتقای گام‌گذار شرکت ملی نفت ایران به سطح شرکت‌های ملی- بین‌المللی ۱ کوچک‌ترین توجه‌های نشده است.
تبدیل دو فرآیند متعارض فوق الذکر به شرایط برده با توجه به شرایط و مقتضبات مجازات نفتی کشور، مستلزم درک صحیح از مصایح منافع ملی بندبردلوی در پیشرفت از مجازات نفتی است. با وجود این، در حالی که می‌توان گفت که حقق شرایط برده برده، مستلزم اجتماع مواردی به شرح ذیل است: قطعیت دانش فنی مناسب برای مدیریت بیشتر مجازات برگرفته نفتی کشور و به ویژه اگونهای تولید صنایع در خلیج مجازات، قطعیت دانش مدیریتی لازم برای

1. National-International Oil Companies
ویژگی‌های مطلوب قراردادهای نفتی: روشکر اقتصادی - تاریخی

اگری طرح‌های زمینه‌بندی سرمایه‌گذاری نفتی، تقویت دانش مالی در خصوص بازارهای مالی در جهان برای تأمین سرمایه، تقویت دانش اقتصادی در خصوص تحولات آتی بازار جهانی نفت بتواند نقشی به‌وجود آورد. این موضوع روندهای نفت و سوخت‌های جایگزین، تقویت دانش حقوقی درخصوص ویژگی‌ها و اختیارات قراردادهای نفتی در‌سایر کشورها، قرارداد مالی در خصوص روندهای تحولات آتی از صنعت تجدیدپذیر و سوخت‌های فسیلی غیرمعارف، تقویت دانش سیاسی و مدیریتی درخصوص ساختار و عملکرد شرکت‌های بنرگ‌نفت و جایگاه این شرکت‌ها در سیاست‌های منطقه‌ای و جهانی و سرانجام تقویت مهارت‌های ازدیاد و تأمین ظرفیت قراردادهای نفتی. علاوه بر این، نیاز به فراموش کردن که قراردادهای نفتی که شرکت ملی نفت ایران بین‌نشده می‌کند یا آن را می‌پیچیده به این لحاظ که از جهت حقوقی مناسبی برای تحقق سیاست‌های بین‌المللی بهره‌برداری از مخازن نفتی کشور باشد.

این مسئله را ملزم به دنبال پیگیری خواهد کرد که قراردادهای نفتی که شرکت ملی نفت ایران بین‌نشده می‌کند یا آن را می‌پیچیده، به این ویژگی‌های بین‌المللی به مخازن نفتی اظهارنظر کرده‌باشد. 

با توجه به آنچه گذشت، امکان‌می‌توان ویژگی‌های مطلوب قراردادهای نفتی را فهرست‌وار به شرح ذیل بیان نمود:

1. زیات اصول مالی و حاکمیت ملی بر منابع نفتی
2. رعایت حقوق و منافع ملی در جریان عملیات نفتی، شامل
   • بازرگانی از مالیات عمومی
   • بازرگانی از کلیه صورت‌های مالی (هزینه‌ها و درآمد‌ها)
   • دسترسی به کلیه گزارش‌های وابسته‌اند به عملیات
3. تأیید کلیه برنامه‌های فنی - مهندسی قبل از شروع عملیات در خارج عمیر قرارداد
4. بهره‌برداری از منابع نفتی با روش‌های فنی صحیح و مناسب به منظور صبای از مخازن در خارج عمیر مخازن
5. انتقال دانش و مهارت‌های فنی مناسب و نتیجه‌گیری انسانی مختص
6. افزایش میزان شرکت ملی نفت ایران از عواید نفتی

1. Maximum Efficient Recovery
58 فصلنامه اقتصاد انرژی ایران سال‌های ۹۰

در ارتقای سطح فنی مدیریت شرکت ملی نفت ایران به سطح شرکت‌های ملی-‌بن‌المللی، در پی انتقال چهار صداقت واقعیت نیاز به تجربه و تخصص در قرارداد‌های نفتی از انتباخته‌های دولت‌های دیگر دارد. در مواردی که نیاز به تکمیل و توسعه قرارداد نفتی در ایران بوده است، با وجود این، ضروری است که نخست مروری اجمالی بر سیر تحول قراردادهای نفتی در ایران داشته باشیم.

3. تغییر به سیر تحول قراردادهای نفتی در ایران

در این بخش، ساختار کلی انتباخته‌ها، قراردادها و قوانین نفتی کشور را به اجتما مطرح می‌کنیم تا زمینه مناسبی برای بررسی ویژگیهای مطلب قراردادهای نفتی در پیشنهای چهار صداقت تهیه فراهم شود.

الف- امتیاز نامه رویتر

امتیاز بهره‌برداری از موانع مالی کشور از جمله نفت خام برای نخستین بار در زمان ناصرالدین شاه قاجار در سال ۱۳۵۱ شمسی برای بازی به‌خاطر ویژگی‌های ۵۲۷۲ عضوی مطلق هجدید شرکاردیلی بین ۱۲۹۹ به روتر ۳ انگلیسی اعطا شد. این انتباخته سپس در سال بعد از توافق صنعت جدید نفت در جهان به امضای روسی. این انگیزه امتیاز حقوق از جانب اعیضوین شاوه‌نشانی به باورون جولي بوس دو روتر کمپانی همایونی ایرانی و انگلیسی به جهت راه‌آهن و اعمال می‌پذیرد عتیما در ایران» (امور حقوقی، صفحات ۱ تا ۸).

ملاحظه می‌شود که تمام این امتیازهای با مراقب پیش از بهره‌برداری از موانع نفتی ایران بود. در ماه فروردین (فروردین از انتباخته سال می‌توانه مخصوص و انتخاب قطعی راه‌آهن بحر خزر از خلیج فارس را به باورون دو روتر و به شرکت‌هایهای توجه ویژه الکتروترکی و تشکیل وابسته به آن نیز ایجاد نماید. مربوط به ارتباط‌های علمی قراردادهای‌های به آن انتباخته‌اهم.

۳. Baron Julius de Reuter

۴. مطالعه‌ای را سال تولید صنعت جدید نفت به حساب می‌آورد. در آن سال باقی که به یک امکان که نهایی آمریکایی به تام کلیر در در این بخش از انتباخته‌های انگلیسی (C. Drake) (امور حقوقی، ۱۳۸۱، صفحه چهارم).
ویژگی‌های مطلوب قراردادهای نفت: روزنامه اقتصادی - تاریخی

به وکلا اعتدال و اوگذار می‌نماید و همچنین به این‌ها حق مخصوص و انحلالی و قطعی میدهد که هر شعبات را آهنگ که مناسب بدانند خواه به جهت اتصال ولایات و شهره‌ها در داخل خاک ایران خواه به جهت اتصال راه‌ها ایران به راه‌های آهن ممالک خارجی از هر نقطه از نقاط سرحدات ایران‌رو به فرانسه‌ها و هندوستان سازند و به کار بین‌المللی به موجب فقره باید، دولت ایران به حکم امتیاز نامه و قرارنامه حاضره به اصحاب این امتیاز حق مخصوص و امتیاز انحلالی و قطعی میدهد که در مدت طول این امتیاز در تمام ممالک ایران معادن ذغال سنگ و آهن و مس و سرب و پتroleum و غیره و را و هر رعد دیگر که ایجاد مناسب بدانند کار پیکره و از آنها متعن بردارند به موجب اعمالی که مالک مردم ایجاد می‌کنند به در بدلرفته به غیر از موافقی که مالک مردم است... هر مالکی که کمپانی پیدا کند مثل زمین ساده و عادی محصول خواهد شد و جانب کمپانی که قیمت متداول آن ولایت خریده خواهد شد و اگر لازم شود دولت، صاحب یا اصحاب آن زمین را محور خواهد کرد که آن را به قیمت متداول آن مالک به کمپانی بفرودش، دولت مالکان طالب و نفره جواهر یا برای خود نگاه میدارد، و به موجب فقره دوازدهم، از محصولات خالصی هر مالکی که کمپانی به کار بین‌المللی دولت ایران از منافع خالص آن مالک صد پانزده مرسوم و مقرر خواهد داشت.

چنان‌که مدت این امتیاز نامه به مرحله عمل نرسید اما در عرضه در سال ۱۳۲۸ شمسی مطلق با ۲۷ جمادی الاول ۱۳۴۱ هجري قمري برای گزارش ۱۸۸۹ میلادی، به روترکه ادعای خصارت از دولت ایران داده امتیاز‌نامه بانک شاهنشاهی ایران، (امور حقوقی، صفحات ۹ تا ۱۵)، به مدت ۴۰ سال اعطا شد. نکته جالب توجه این است که به موجب قبلاً باید مالک امتیاز نامه، دولت به بانک مزرور و در تمام مدت این امتیاز نامه امتیاز مالکان نمی‌تواند مالک معادن ذغال سنگ و آهن و سرب و پتroleum و غیره و مالکان بورق و آبیان را متعلق به دیوان می‌باشد... دایر نمی‌گردد و از منافع خالص دولت ایران مالکی از سالی شانزده درصد را اخذ خواهد نموده، (فصل ۱۲).

ب- امتیازنامه دارسی

امتیازنامه نفت و موم طبیعی معدنی، موسوم به امتیازنامه دارسی، (امور حقوقی، صفحات ۱۳۱۹ هجري قمري و ۲۸ مه ۱۹۵۱ میلادی) در سال ۱۳۲۰ شمسی مطلق با ۱۳۱۹ هجري قمري و ۲۸ مه ۱۹۵۱ میلادی از طرف
60 فصلنامه اقتصاد ارزی ایران سال سوم شماره 9

مظفرالدین شاه فاجار به دارسی از اهلی اسکاتلندی اعطا شد. به موجب فصل اول این امتیازنامه، دولت علیجه تحت ضرورت شاهنشاهی ایران... اجازه مخصوص به جهت تقبیش و تفحص و بیدار کردن و استخراج و بسط دادن و حاضر کردن برای تجارت و نقل و فروش محصولات ذیل که جزئیات از گاز طبیعی و برق و مهم و مواد شیمیایی باشند در تمام و وضع ملکی ایران به دست صلاحیت ایران ایستاده می‌باشد. این امتیازنامه شامل ولایت آذربایجان و گیلان و مازندران و خراسان و استرآباد نخواهد بود ولی به شرط اینکه دولت علیجه به هر گونه اجازه دهد که ایران به طرف رودخانه و سواحل جنوبی ایران تأسیس نماید، در کنار این تصمیم که دولت علیجه ایران به صاحب امتیاز اجازه می‌دهد که یک چنین شرکت به جهت انتفاع از آن امتیاز، تأسیس نماید... و به موجب فصل شانزدهم آگر در مدت دو سال از تاریخ این امتیازنامه، صاحب امتیاز توانالند شرکت اولیه مذکور در فصل نه تأسیس نماید، این امتیاز از درجه اعتراب به کلی ساقط است.

سرانجام رضاشتی این فرآیند را به صورت یک جانبه لغو کرد و «تصمیم مزبور در تاریخ 30 آذر ماه 1332 (اول دسامبر 1953) از سوی مجلس شورای ملی ایران تأیید شد. در ابعادی که دولت به این مناسب سایر ایران مدت آمد به امتیاز داریم طرفدار از امتیازنامه پیش از انتخاب و استخراج نفت و گاز طبیعی و برق و مهم و مواد شیمیایی در ایلات گیلان و مازندران و استرآباد به مدت 30 سال و یا شرایطی که پیش می‌آیده امتیازنامه داریم و در تمام و وضع ملکی ایران ایستاده می‌باشد. این امتیازنامه شامل ولایت آذربایجان و گیلان و مازندران و استرآباد نخواهد بود ولی به شرط اینکه دولت علیجه به هر گونه اجازه دهد که ایران به طرف رودخانه و سواحل جنوبی ایران تاسیس نماید، در کنار این تصمیم که دولت علیجه ایران به صاحب امتیاز اجازه می‌دهد که یک چنین شرکت به جهت انتفاع از آن امتیاز، تأسیس نماید... و به موجب فصل شانزدهم آگر در مدت دو سال از تاریخ این امتیازنامه، صاحب امتیاز توانالند شرکت اولیه مذکور در فصل نه تأسیس نماید، این امتیاز از درجه اعتراب به کلی ساقط است.

1. این امتیازنامه مال قابل آتش‌نشانی به امضای رسمی.

2. در مال 1346 خمسی امتیاز استخراج نفت و مهم و مواد شیمیایی (خوشه‌ای) توسط ویلیام دولووز ایامور اخراج (به امر دولت) از یک طرف سیاکاکی و سربداری گرایش خوشه‌ای از طرف دیگر باید از اشکال و استخراج نفت و گاز طبیعی و برق و مهم و مواد شیمیایی در ایلات گیلان، خراسان و استرآباد به مدت 30 سال و یا شرایطی که مقرر می‌شود در نظر گرفته نماید. این امتیازنامه شامل ولایت آذربایجان و گیلان و مازندران و استرآباد نخواهد بود ولی به شرط اینکه دولت علیجه به هر گونه اجازه دهد که ایران به طرف رودخانه و سواحل جنوبی ایران تاسیس نماید، در کنار این تصمیم که دولت علیجه ایران به صاحب امتیاز اجازه می‌دهد که یک چنین شرکت به جهت انتفاع از آن امتیاز، تأسیس نماید... و به موجب فصل شانزدهم آگر در مدت دو سال از تاریخ این امتیازنامه، صاحب امتیاز توانالند شرکت اولیه مذکور در فصل نه تأسیس نماید، این امتیاز از درجه اعتراب به کلی ساقط است.

3. در مال 1340 خمسی امتیاز استخراج نفت و مهم و مواد شیمیایی (خوشه‌ای) توسط ویلیام دولووز ایامور اخراج (به امر دولت) از یک طرف سیاکاکی و سربداری گرایش خوشه‌ای از طرف دیگر باید از اشکال و استخراج نفت و گاز طبیعی و برق و مهم و مواد شیمیایی در ایلات گیلان، خراسان و استرآباد به مدت 30 سال و یا شرایطی که مقرر می‌شود در نظر گرفته نماید. این امتیازنامه شامل ولایت آذربایجان و گیلان و مازندران و استرآباد نخواهد بود ولی به شرط اینکه دولت علیجه به هر گونه اجازه دهد که ایران به طرف رودخانه و سواحل جنوبی ایران تاسیس نماید، در کنار این تصمیم که دولت علیجه ایران به صاحب امتیاز اجازه می‌دهد که یک چنین شرکت به جهت انتفاع از آن امتیاز، تأسیس نماید... و به موجب فصل شانزدهم آگر در مدت دو سال از تاریخ این امتیازنامه، صاحب امتیاز توانالند شرکت اولیه مذکور در فصل نه تأسیس نماید، این امتیاز از درجه اعتراب به کلی ساقط است.

4. در مال 1346 خمسی امتیاز استخراج نفت و مهم و مواد شیمیایی (خوشه‌ای) توسط ویلیام دولووز ایامور اخراج (به امر دولت) از یک طرف سیاکاکی و سربداری گرایش خوشه‌ای از طرف دیگر باید از اشکال و استخراج نفت و گاز طبیعی و برق و مهم و مواد شیمیایی در ایلات گیلان، خراسان و استرآباد به مدت 30 سال و یا شرایطی که مقرر می‌شود در نظر گرفته نماید. این امتیازنامه شامل ولایت آذربایجان و گیلان و مازندران و استرآباد نخواهد بود ولی به شرط اینکه دولت علیجه به هر گونه اجازه دهد که ایران به طرف رودخانه و سواحل جنوبی ایران تاسیس نماید، در کنار این تصمیم که دولت علیجه ایران به صاحب امتیاز اجازه می‌دهد که یک چنین شرکت به جهت انتفاع از آن امتیاز، تأسیس نماید... و به موجب فصل شانزدهم آگر در مدت دو سال از تاریخ این امتیازنامه، صاحب امتیاز توانالند شرکت اولیه مذکور در فصل نه تأسیس نماید، این امتیاز از درجه اعتراب به کلی ساقط است.

5. در مال 1340 خمسی امتیاز استخراج نفت و مهم و مواد شیمیایی (خوشه‌ای) توسط ویلیام دولووز ایامور اخراج (به امر دولت) از یک طرف سیاکاکی و سربداری گرایش خوشه‌ای از طرف دیگر باید از اشکال و استخراج نفت و گاز طبیعی و برق و مهم و مواد شیمیایی در ایلات گیلان، خراسان و استرآباد به مدت 30 سال و یا شرایطی که مقرر می‌شود در نظر گرفته نماید. این امتیازنامه شامل ولایت آذربایجان و گیلان و مازندران و استرآباد نخواهد بود ولی به شرط اینکه دولت علیجه به هر گونه اجازه دهد که ایران به طرف رودخانه و سواحل جنوبی ایران تاسیس نماید، در کنار این تصمیم که دولت علیجه ایران به صاحب امتیاز اجازه می‌دهد که یک چنین شرکت به جهت انتفاع از آن امتیاز، تأسیس نماید... و به موجب فصل شانزدهم آگر در مدت دو سال از تاریخ این امتیازنامه، صاحب امتیاز توانالند شرکت اولیه مذکور در فصل نه تأسیس نماید، این امتیاز از درجه اعتراب به کلی ساقط است.
ویکی‌های مطلوب قراردادهای نفتی: روند اقتصادی - تاریخی

ایران داده شود دولت اصولاً مخالفت با آن نخواهد داشت... سرانجام قرارداد گردیدی به موجب قانون اعطای امتیاز نفت به شرکت نفت انگلیس و ایران محدود از سال ۱۳۲۱ (مطابق با ۱۹۴۲ میلادی) به‌صورت مجلس شورای اسلامی رسید... که مدت امتیاز [سازنده در ۱۹۵۸] به پایان رسید تا پایان سال ۱۹۹۲ تمدید. کرده. (آموز حقوقی، صفحات بیست و سه و بیست و چهار و ۵۰).

ج - امتیازنامه شرکت نفت انگلیس و ایران (ادامه امتیازنامه دارسی)
قانون اعطای امتیاز نفت به شرکت نفت انگلیس و ایران محدود، (آموز حقوقی، صفحات ۵۰ تا ۶۱) در تاریخ ۷ خرداد ۱۳۱۷ مطابق با ۲۹ آوریل ۱۹۳۳ در ۲۷ ماهه به توصیف مجلس شورای ملی رسید. در مقدمه این قرارداد چنین می‌خوانیم: به قصد برقرار گردن امتیاز جدیدی به جای امتیازی که در تاریخ ۱۹۱۱ به ویلیام ناکس دارسی داده شده بود این امتیاز را دولت ایران اطلاع و کمیابی نفت انگلیس و ایران محدود، آن را قبول می‌نماید.

بر طبق ماده اول این قرارداد، «دولت... حق مانع لغوی تفحص و استخراج نفت را در حدود حوزه امتیاز به کمپانی اطلاع می‌کند و همچنین حق انحصاری تصفیه و هرز نوع عملی را در فنی که خود تحصیل کرده و به‌هیچ‌یک آن برای تجارت، خواهد داشت و همچنین دولت در تمام و سعت خاک ایران به کمپانی حق غیرانحصاری و حمل و نقل نفت و تصفیه و هرز نوع عملی در آن و به‌هیچ‌یک آن برای تجارت و همچنین فروش آن در ایران و صادر کردن آن را اطلاع می‌نماید» این امتیازنامه برای ۶ سال بود (تا ۳۱ دسامبر ۱۳۶۲ شمسی)، اما با ملی شدن صنعت نفت در ماه ۱۳۴۹ خانه‌ای پایت.

د - اعطای دو امتیازنامه در خارج از حوزه عملیات شرکت نفت انگلیس و ایران
۱- قانون اعطای امتیاز نفت فسمند از شرق و شمال شرق شرق به شرکت نفت آمریکا و ایران (آموز حقوقی، صفحات ۷۰ تا ۷۴)، در ۲۹ ماهه مصوب ۱۵ مه‌می ۱۳۵۱ مطابق با صومعه ۱۳۵۷ میلادی به مدت ۶۰ ساله، به موجب ماده اول، دولت بر طبق مقررات این امتیاز در حوزه امتیاز برای تفحص و تفحص و جستجو و گمانه‌زندن و استخراج نفت، حق انحصاری به شرکت می‌دهد و به علاوه در

1. Anglo Persien Oil Company Limited
۲۳
فصل‌های اقتصاد ارزی ایران سال سوم شماره ۹

تمام خلاک ایران حق غیراقتصادی حمل و تصفیه نفت و عمل آوردن آن به هر طریقه که آن را قابل تجارت کند و اباتر کردن و فروختن نفت در ایران و صادر کردن آن را به شرکت اعطا می‌نماید.

۲۴
قانون اجازه‌ای انتقاد‌های اکتشاف و استخراج معادن دو ناحیه مهینه با شرکت‌های هلندیگامین اکسپلوراتیون مکاپاایی (امور حقوقی، صفحات ۱۰۹ تا ۱۲۷)، در ۲۹ ماهه مصوب ۱۳۳۸، ساختار این قراردادهای امتیازی کم و پیش مسابه امتیاز‌نامه شرکت نفت انگلیس و ایران می‌باشد به جز مواردی در مزان عادی دولت که برای ملاحظه جرایت داده‌ها به اصل قرارداد مراجعه نمود.

۵۶
ملی شدن نفت و تأسیس شرکت ملی نفت ایران: نقشه عملی قراردادهای نفتی

به کوشش دکتر محمد مصدق، پیشنهاد ملی شدن صنعت نفت ایران، در تاریخ ۸ آذر ۱۳۲۹، توسط جمعی از نمایندگان مجلس شورای ملی مطرح شد: بنیان ساده‌تر ملل ایران و به منظور کمک به تأمین صلح جهانی امضاهان کنندگان دیل پیشنهاد می‌نمایم که صنعت نفت ایران در تمام مناطق کشور بدون استثنای ملی اعلام، عضو اصلی انجمن موجودات اکتشاف، استخراج و بهره‌برداری در است، دست دولت قرار گیرد. (امور حقوقی، صفحه ۱۳۹). در تاریخ ۱۷ اسفند ۱۳۲۹، کمیسیون مخصوص نفت، پیشنهاد ملی شدن صنعت نفت را پذیرفت: مقرر به اینکه ضمن پیشنهادات اصلاحیه به کمیسیون نفت، پیشنهاد ملی شدن صنعت نفت در سراسر کشور مورد توجه و قبول کمیسیون قرار گرفته و از آنجاکه وقت کافی برای مطالعه در اطراف اجرا این اصل باید نیست کمیسیون مخصوص نفت از مجلس شورای ملی تشکیل شود. (امور حقوقی، صفحه ۱۳۱). سراتجال در ۲۴ اسفند ۱۳۲۹ مجلس شورای ملی به ریاست رضا حکمت تصمیم مورخ ۱۷ اسفند ۱۳۲۹ کمیسیون مخصوص نفت را در ماهه واحد با دو تبصره تصویب گرد. این تصمیم قانونی در جلسه مورخ ۱۳ اسفند ۱۳۲۹ مورد تأیید مجلس سنا به ریاست حسن نفی‌زاده رسید (امور حقوقی، صفحات ۱۴۱ و ۱۴۲) و بیدن ترتیب صنعت نفت در سراسر کشور ملی اعلام گردید.

به موجب اطراف قانونی دانش به طرح اجرا اصل ملی شدن صنعت نفت در سراسر کشور (امور حقوقی، صفحات ۱۴۲ و ۱۴۳)، مصوب ۹ اردیبهشت ۱۳۲۰، هیئت مختلی رکب از ۵ نفر از نماینده‌گان مجلس سنا و ۵ نفر از نماینده‌گان مجلس شورای ملی به انجام فرایند از مجلسین و
ویژگی‌های مطلوب قراردادهای نفتی: رویکرد اقتصادی - تاریخی

وزیر دارایی وقت یا قائم مقام از رابطه و هلیگس و ایران خلع ید

کن. به موجب ماده ۵ این طرح قانونی، هنیت مخاطب با شرکت است سازمانی از شخصیت سازمانی به شش به نه و برای

تصویب به مجلس به‌پیشنهاد کننده: همچنین، به موجب ماده ۴ (ب) این قانون صاحب تبعیضی شخصیت

خاجی به مختصات ایرانی، هنیت مخاطب می‌کنند است آن‌نامه فرمانده عده‌ای به طرح

مسابقه در هر سال برای فراگیری رشته‌های مختلف مطالعات و تجربیات مربوط به صنایع نفت به

کشورهای خارج را تدوین و پس از تصویب هینت وزیران به ولیعهد و زرتشتیک به موقع اجرای

گزارش‌های تحلیلی این مصوبات از عواون نفت پرداخته خواهد شد.

(۱۶۳) از این قانونی اساسنامه شرکت ملی نفت ایران (آمور حقوقی، صفحات ۱۵۲ تا ۱۵۶)، در

ماده ۵ از آذر ماه ۱۳۳۱ به تصویب رسید. (ب) به موجب ماده ۱، نظر به قانون مصوب تاریخ

ماه ۱۳۳۰، شرکتی به نام شرکت ملی نفت ایران برای انتخاب و استخراج و بهره‌برداری از قبل

تصویب و نقل و صدور و پخش شرکت از آن تأسیس می‌گردد و دارای شخصیت

حقوقی است و مدت عملیات شرکت نامحدود است. مرکز اصلی شرکت، خرم‌شهر است و در

صورت اقتصادی، می‌تواند مرکز را در یکی از شهرهای دیگر خوزستان قرار دهد. برطبق

ماده ۱۰، به طور کلی مقررات و اطراف کار شرکت بر طبق اصول باید گزارش گری بر نظر گرفت.

مالیات بهره‌برداری و سرعت عمل و مسئولیت و اعتقاد خواه و دیگر همچنین. حوزه عملیات

شرکت در ایران همان حوزه عملیات صحیح شرکت سابق نفت انگلیس و ایران در موقع ملی شدن

صنعت نفت خواهد بود. (ماده ۳)، برخی موارد قابل توجه در این اساسنامه بیشتر ذیل است:

۱. همکاری و هم‌بینی با شرکت‌های خارجی مربوط به نفت و صنایع نفت و مصالح کشور ناشی است. (به

دست آورد) امور ایران و اطلاعات محرمانه (از طرف خریداری از طرف قانونی دیگر) درباره

۱ خاطرنشان می‌شود که بعد از سقوط دولت دکتر مصدق، این اساسنامه تجدیدنظر شده است. مجددا در تاریخ ۵۵ دی ۱۳۴۳ به

تصویب مجلس رسید. برای ملاحظه ماند تجدیدنظر کننده اساسنامه به امور حقوقی صفحات ۲۴۴ تا ۲۴۵ مراجعه شود. اساسنامه

شرکت ملی نفت برای دیگر تجدیدنظر شده و در تاریخ ۲۸/۲۴/۱۳۳۹ تحت عنوان (آمور حقوقی مربوط به اساسنامه شرکت ملی نفت ایران) به

تصویب رسید. (آمور حقوقی، صفحات ۴۰۶ تا ۴۰۷ این تجدیدنظر به اساسنامه تحت عنوان (آمور حقوقی مربوط به اساسنامه شرکت ملی ایران)

در تاریخ ۱۴۳۲/۸/۱۵ مجددا شاهد تصویب مجدد و اساسنامه تجدیدنظری از اساسنامه شرکت ملی نفت ایران به‌طور رسمی صفحات ۱۸۲۶ تا ۱۸۴۰ (در تاریخ ۱۴۴۲/۲/۱۵) به‌طور رسمی نیز تصویب مجدد و اساسنامه تجدیدنظری از اساسنامه شرکت ملی

نفت ایران به‌طور رسمی صفحات ۱۳۵۶ تا ۱۳۵۵ (در تاریخ ۱۳۴۲/۲/۱۵).
64
فصلنامه اقتصاد ارزی ایران سال سوم شماره ۹

ابتدا و طرح‌ها و طرح‌هایی صنعتی که مورد استفاده قرار گیرند.» (نگه نه ماه ۹۴). «شرکت
موافق است برای محققی نفت اراضی نفت مطلق آخرین تحقیقات علمی ممکن اقدام
نمایید.» (ماده ۷). «شرکت باید ترمیم جوان همکاری حق دارد از محل دلار ارزی خود آنچه
را از منابع آلات - دستگاه‌های فنی – قطعات دکتری - مواد شیمیایی - مصالح ساختمانی و امثال آنها
که منصوباً برای اعمال خود در ایران لازم دارد... بدون تشریفات و پرداخت حقوق
گمگیز از خارجی وارد نمایید.» (نگه نه ماه ۹۴). «شرکت موافق است برای تهیه و سفالین صنعتی یا
میادین مصرفی خود، با توجه به مزیت و ارزش جنس و رعایت مصالح اقتصادی کشوار، نسب
به کالاهای مشابه داخلی حق تقدیم قابل شود و سفارتی برا سلیقه هدفگردد که حیات الکان از گمگیز
و مصون‌ها داخلی را به مصرف برسانند.» (نتصر به ماه ۹۴). «شرکت مساعد به خود فروش
محصولات نفت داخلی ایران را با رعایت جدید سود و ازدیاد مصرف و در نظر گرفتن مفاهیم
داخلی تعیین خواهد نمود.» (ماده ۴). «شرکت به مؤسسه بازگشتی انتفاعی می‌پاشد که سود آن
به وسیله دولت عادی ملت می‌شود و حق ندارد اضافه بر آنچه مقرر می‌شود و راه‌های قانونی معمول و
منافع مستقیم شرکت پیش‌بینی می‌نماید.» یک دیجیتال خود را در صرف هرگونه مخربی حتی امور اقتصادی
و خریدی و عملیاتی بنماید، ولی دولت می‌تواند به شرکت اجازه دهد تا حدود صدی
بست از سهمیه متعلق به خزانه دولت را... طبق برنامه صورت، صرف آباد و عملیات استان
خوزستان و رقابت الهامی و کارآمدان در آن استان بنماید.» (ماده ۱۵).

نهایت جهت اهمیت در ساختار انجایی شرکت می‌نشین توپ توجه ویژه به تخصص و نجربه است که
در ماه ۲۵ اساسنامه بناد شده است: «هنگ میتره مرکب خواهید بود از یک مدیر عامل ایرانی ... و
۴ مدیر قسمت به شرح ذیل که هر یک مسئول و اداره گردنه یکی از ارگان اصلی عملیات شرکت
بوده و در راه بخصوص دارای سوابق علمی و عملی لازم باشد. مدیران قسمت‌های شرکت نیز
اصولاً ایرانی خواهند بود و لی در صورت لازم و با موافقت هیئت وزیران و تصویب قوه موقتی
میمان است از انجاب خارجی انتخاب شوند. اول- مدیر بالاپشتگاه، دوره مدرک استحصال، سوم- مدیر
بنزجاری، پهنه- مدیر امور اداری» همچنین، ماه ۳۹ تأکید دارد که مدیر عامل و اعضای هیئت
مدیر و هنین بارزی‌تر استغلال ایمنی از دستورالعمل و یا غیردولتی اتخاذاً یا به طور مضادی داشته
باشد.» (در غیر اینصورت مستعفی شناخته خواهند شد.)
ویژگی‌های مطلوب قرارداد‌های نفتی: روش‌کرده اقتصادی - تاریخی...

- قرارداد کنرسیوم

قرارداد کنرسیوم، تحت عنوان "لايحة قانونی راجع به اجازه مبادله قرارداد فروش نفت و گاز و طرز اجراه عملیات آن" (امور حقوقی، صفحات 174-176 تا 243، ماه 1332، 29 مهر 1332) در مجلس شورای ملی و در 6 آبان 1333 در مجلس سنا به تصویب رسید. قسمت اول این لایحة در ماده ۱ ماده تحت عنوان "قرارداد فروش نفت" است و قسمت دوم آن ماده بر ۵ ماهه در خصوص حل و فصل قیدام‌های ناشی از ملی کردن صنعت نفت ارتباط با شرکت نفت انگلیس و ایران می‌باشد. این قرارداد، در ضمیمه دارد که به ترتیب مربوط به مخصوصات نواحی عملیات و اصلاح قانون مالیات بر دارآمد است. بر طبق ماده ۱ ماده ۴۹ مدت این قرارداد ۲۵ سال تعیین شد که برای دوره‌های ۵ ساله قابل تمدید بود. در اندکی زمانی بعد از امضای قرارداد، شرکت نفت انگلیس و ایران به شرکت نفت بریتانیاً تغییر نام بیافز.

به‌موجب این قرارداد، دو شرکت تحت عنوان "شرکت اکتشاف و توسعه نفت ایران" و شرکت تخصصی نفت ایران، که به شرکتهای عامل معروف آن، بر طبق قوانین ایران به ثبت رسید. بین‌تهریب کنرسیوم توانست از طریق این دو شرکت و تأسیس جدید شرکت بزرگ‌تر، کلیه عملیات صنعت را در شمال عملیات (که به‌موجب ضمیمه اول قرارداد تعیین شده است)، از اکتشاف و حفاری و توسیع و توسعه و تولید نفت خام تا پلاسی و حمل و نقل و پردازش و فرآش را عهده‌دار شود. با وجود این، قرارداد کنرسیوم تحت عنوان "لايحة قانونی ... فروش نفت و گاز و طرز اجرای عملیات آن" به تصویب رسید که به نظر می‌رسد ناشی از حساسیت سیاسی جامعه بعد از شکست نهضت ملی کردن صنعت نفت می‌باشد.

1. شرکتهای عضو کنرسیوم عبارت بودند از (امور حقوقی، صفحه 176):
   - Gulf Oil Corporation (بنیان‌گذاری)
   - Socony Vacuum Oil Company Incorporated (نیویورک)
   - Standard Oil Company (نیویورک)
   - Standard Oil Company of California (کالیفرنیا)
   - The Texas Company (نیویورک)
   - Anglo-Iranian Oil Company (انگلیس)
   - N. V. De Bataafse Petroleum Maatschappij (هلند)
   - Company Francaise Des Petroles (پاریس)

2. British Petroleum
فصلنامه اقتصاد ارزی ایران سال سوم شماره 9

66

در مقدمه این قرارداد (پاراگراف ششم) چنین می‌خوانیم: «...و منظور از این مذاکرات که در سطح دوستانه انجام شده آن بوده که از طرف پرای دولت ایران و شرکت ملی نفت ایران بزار صدور مقدمات معتبری نفت ایران تأمین شود و موجب افزایش منافع ملّد و سعادت مردم ایران قرار گردد و از طرف دیگر شرکت ملّد مذکور با تأمین لازم اطمینان داشته باشد که در این آنکه مماعی مالی و وسایل خود را در راه تجدید فعالیت صنعت نفت ایران به کار می‌اندازند اجرا عادلتان به دست‌هایم آورد» به‌حال این قرارداد استعماری که قرار بود «سماحت مردم ایران را به ارمنیان آورد» از تاریخ 1352/5/8 با تصویب قانون الگای قرارداد نفت به کنسرسیوم مصوب سال 1337 از طریق توافق شرکت ملّی نفت و اعضای کنسرسیوم خانه‌های یافته قرارداد دیگری تحت عنوان «قرارداد فروش و خرید نفت بر بین دولت شاهنشاهی ایران و شرکت ملّی نفت ایران و شرکتهای خارجی»، در همان روز در قابل کنسرسیوم جدیدی با 16 عضو به تصویب رسید (امور حقوقی، صفحات 1588 تا 1662)

خاطرنشان می‌شود که قرارداد اولیه کنسرسیوم (مصوب 1337) سه بار در مواردی همگون تغییر و اضافه‌شدن اعضای کنسرسیوم، پس گرتفان قطعاتی از ناحیه قرارداد که کنسرسیوم اقدمی در آنجا تکرده‌بود، مسائل مالیاتی، میزان پرداخت مشخص یا حق الانتیز و نظر آن مورد تجدید‌نظر قرار گرفت. اولین تجدید‌نظر تحت عنوان اصلاح قانون اجازه‌های اجازه‌های محلی قرارداد اجرا به قرارداد فروش و گاز مصوب 1337/5/8. به‌طور معمول است که به قرارداد اجرا به مفاد قانون مالیاتی پر درآمد و نیز موافقت‌نامه مشامل یک مقدمه و 9 ماه و یک ضمیمه مربوط به اصلاح قانون مالیاتی پر درآمد و نیز موافقت‌نامه مفادا، که در تاریخ 1337/10/10 به تصویب مجلس رسید (امور حقوقی، صفحات 516 تا 499).

دوام تجدید‌نظر تحت عنوان قانون اجازه‌های محلی قرارداد اجرا به قرارداد فروش و گاز مصوب 1337/5/8 به قرارداد اجرا به مقدار است شامل یک مقدمه، سه ماه و یک ضمیمه که به تاریخ 1337/10/10 به تصویب رسید (امور حقوقی، صفحات 499 تا 105.

جدید‌نظر تحت عنوان قانون قرارداد اجرا به قرارداد فروش و گاز که به قرارداد اجرا به مقدار است در 1352/5/6 به تصویب مجلس رسید (امور حقوقی، صفحات 1242 تا 1242).
ویژه‌های مطلوب قراردادهای نفتی: رویکرد اقتصادی - تاریخی

ز- قانون نفت ۱۳۳۰ (اولین قانون نفت)

قانون مربوط به تفحص و اکتشاف و استرخراج نفت در سراسر کشور و فلات قاره، (امور حقوقی، صفحات ۱۸۵ تا ۱۹۷ موضع به قانون نفت در ۱۶ ماهه به ترتیب مجله شورای ملی و در ۷ مرادد ۱۳۳۶ به ترتیب مجله سناریو، محدود و وظایف ملی نفت ایران را در خارج از حوزه عملیات کنسسیوم تعیین کرد. ماده اول این قانون چنین گوید: به مانور تردد در توسعه عملیات تفحص و اکتشاف و استرخراج نفت در سراسر کشور و فلات قاره به استناد آن قسمت از اراضی که طبق قرارداد فروش نفت مصوب ششم آبان ۱۳۳۰ به عنوان حوزه عملیات کنسسیوم تعیین گردد است و همچنین به منظور توسعه سرعی عملیات تفحص و حمل و نقل و فروش کلیه نفتی که در خارج از حوزه عملیات کنسسیوم به دست خواهد آمد در سراسر کشور و تبعیض در خارج از کشور به شرکت ملی نفت ایران اجازه داده می‌شود که طبق اصول و شرایط مندرج در این قانون عمل نماید.

به موجب ماده پنجم، این قانون می‌تواند به منظور اجرای عملیات تفحص و اکتشاف و استرخراج، اراضی کشور و فلات قاره را به جز ناحیه موضوع قرارداد فروش نفت مصوب ششم آبان ۱۳۳۰ به بخش‌هایی تقسیم کند که مختصات نه یک حداکثری به نقطه‌های ملی کامل‌یابی می‌کند و فروش کلیه نفتی که در خارج از حوزه عملیات کنسسیوم به دست خواهد آمد در این قانون مقرر در این قانون آزاد اعلان نموده و نسبت به آن پیشنامه اتفاق‌ قرارداد پذیرد.

۱. معمولاً قانون نفت ۱۳۳۲ را اولین قانون نفت می‌دانند. این امر بدان معنی است که فتاوکارگری در دوره معده و دخالت آن، سرکذشگان، بوده است و بخش‌هایی از اراضی واقع مطلق و فلات نفتی که صاحب قانون نفت مصوب ششم آبان ۱۳۳۰ به استان به منظور اجرای عملیات تفحص و اکتشاف و استرخراج نفتی می‌تواند به منظور حداقل ۱۰۰۰ هکتار استفاده نماید.

۲. اصل ۱ قانون مصوب ۱۳۳۰ (امور حقوقی، صفحات ۱۸۵ تا ۱۹۷) مختصات از اراضی کشور و فلات قاره را به منظور بهره‌برداری به طبقات سال‌های زیستی می‌توانند.

۳. ماده ۲ معادن مصوب ۱۳۳۵ (امور حقوقی، صفحات ۱۸۵ تا ۱۹۷) مختصات از اراضی کشور و فلات قاره را به منظور بهره‌برداری به طبقات سال‌های زیستی می‌توانند.

۴. ماده ۲ معادن مصوب ۱۳۳۵ (امور حقوقی، صفحات ۱۸۵ تا ۱۹۷) مختصات از اراضی کشور و فلات قاره را به منظور بهره‌برداری به طبقات سال‌های زیستی می‌توانند.

۵. ماده ۲ معادن مصوب ۱۳۳۵ (امور حقوقی، صفحات ۱۸۵ تا ۱۹۷) مختصات از اراضی کشور و فلات قاره را به منظور بهره‌برداری به طبقات سال‌های زیستی می‌توانند.
68
قلم‌های اقتصادی ارزی ایران سال سوم شماره ۹

برای نخستین بار در این قانون به شرکت ملی نفت ایران اجازه داده شد که با شرکت‌های خارجی، سرمایه‌گذاری مشترک انجام دهند و مشارکت در تولید داشته باشند ضمن آنکه از سود شرکت‌های طرف قرارداد مالیات‌های اخذ کند. در تبصره‌های ۴ و ۵ ماده اول این قانون، دو اصطلاح اساسان مشترک و دستگاه مختلط به شرح ذیل تعیین شده است: اساسن مشترک، هر مؤسسه‌ای است که قسمتی از آن متعلق به یک شخص و قسمت دیگر متعلق به شرکت ملی نفت ایران باشد، و منظور از دستگاه مختلط… هر دستگاه عامیانی است که شرکت ملی نفت ایران و یک طرف و یک با یک شخص از طرف دیگر توآما ایجاد نموده باشد بدون اینکه در اثر این اختلاط شخصیت حقوقی جداگانه‌ای به وجود آید؛ لکه مهم این است که به موجب ماده ششم، شرکت ملی نفت ایران باید در هر یک از سازمان‌های مشترک به دستگاه‌های مختلط لاقب به میزان سی درصد سهمی بپذیرد.

مدت اصلی قرارداد در مورد هر ناحیه حداکثر بیست و یک سال از تاریخ شروع بهره‌برداری تجاری در آن ناحیه خواهد بود ولی ممکن است مدت قرارداد به درختواست هر یک از طرفهای شرکت ملی نفت ایران حداکثر برای سه دوره پنج ساله تمدید شود (بند د ماده هفتم).

کت- قراردادهای متعهد براساس قانون نفت ۱۳۳۶

براساس قانون نفت ۱۳۳۶، جمعاً ۱۲ قرارداد با شرکت‌های خارجی به شرح ذیل متعقق شد. سه مورد اول را به اعمال مایلی می‌کنیم و سایر موارد را صرف نام میریم زیرا که ساختارهای مشابهی دارند.

۱. موافقت‌نامه قرارداد تفحص و اکتشاف و بهره‌برداری نفت بین شرکت‌های ایران و شرکت هیئت‌های آجیب میتراویا (امور حقوقی، صفحات ۲۴۸ تا ۳۲۶ در ۷۷ ماده مصوب ۱۳۳۶/۱۲/۶) به موجب این قرارداد، شرکت ملی نفت ایران و شرکت آجیب، یک شرکت سهامی بنام شرکت نفت ایران و ایتالیا (سیرپ) تحت قوانین ایران تشکیل دادند تا… به نفع طرفین، عملیات مربوط به اکتشاف و تولید نفت خام و سایر مواد هیدروکربون‌های دیگر بود. ۱.۴ ماده ۱۳۸۴/۶۲ به موجب این قرارداد، شرکت ملی نفت ایران و شرکت آجیب، یک شرکت سهامی بنام شرکت نفت ایران و ایتالیا (سیرپ) تحت قوانین ایران تشکیل دادند تا… به نفع طرفین، عملیات مربوط به اکتشاف و تولید نفت خام و سایر مواد هیدروکربون‌های دیگر بود.

1. Agip Mineraria
2. Sirip
ویژه‌یا مطلوب قراردادهای نفتی: روندکردن اقتصادی – تاریخی

ایران و پنجاه درصد دیگر را شرکت آژند نمود... تأیید خواهد نمود... به‌دین تنپن‌ی کشف عده اعضای هیئت مدیره و... هیئت بازرسی حسابا... از طرف شرکت ملی نفت ایران و نصف دیگر از طرف شرکت آژند انتخاب خواهد شد... مدیرعامل که در عین حال سمت مدیریت کل را تنی خواهد داشت از طرف شرکت آژند مهیج می‌شود... اداره امور فنی شرکت (اندکا) و توسعه و بهره‌برداری و حمل و نقل و بارگیری نفت به دست کارمندانی می‌شود که به معرفی آژند و به انتخاب مدیرعامل تعین خواهد شد... مدیر قرارداد به موجب ماده ۳۵ پیست و بن جال از تاریخ شروع به فروش نفت، معترض خواهد بود... اگر برای مدت ۵ سال قابل تمدید است و به موجب ماده ۱۷، اگر نقد وسره... نصف به عنوان مالیات و حقوق دولتی به دولت ایران پرداخت خواهد گردید و نصف دیگری به المنافع بین شرکت ملی نفت ایران و آژند مبنی‌رای اقتیض خواهد شد.

۲- مواقف‌نامه تفحص و اکتشاف و بهره‌برداری و فروش نفت بین شرکت ملی نفت ایران و شرکت سهامی پان آمریکان پتروپوزیشن (امور حقوقی، صفحه ۳۸۶ تا ۳۹۰) در ۱۳۸۶/۱۰/۲۹. به موجب ماده ۹ و دوم قرارداد به دنبال مزیت و موفقیت ایجاد که به درخواست شرکت خواهد نمود. این مسجد مختلط که از شرکت پان آمریکان نامگذاری می‌شود که دارای نتیجه‌ی اقتصادی و باعث به موجب ماده ۳۵ کلیه نفتخی‌که به موجب این قرارداد از ناحیه قرارداد تولید گردیده و کلیه دستگاه‌ها و مالیات‌های مصرف می‌شود و به‌طور مشترک طرفین خریداری و یا تحویل‌گذاری در مالکیت طرفین (پنجاج درصد طرف اول و پنجاه درصد طرف دوم) خواهد بود و کلیه هزینه‌هایی که برای عملیات این قرارداد (به جز مخارج و هزینه‌هایی که طرفین، و پرداخت آن برای عملیات اکتشافی تسا به‌ره‌ده طرف دوم است) به وسیله طرفین پرداخت می‌شود به سلیقه طرف اول و نجاح درصد به وسیله طرف دوم قابل قبول و پرداخت خواهد شد. هر یک از طرفین حق دارد که مکمل نفت خود را برای خود یا برای نماینده خود به جنس مطلوبی نماید و به موجب ماده ۲۴، اگر درصد از نفتخی‌که در ناحیه عملیات می‌شود در سر چه به ملکیت طرف اول و پنجاج درصد گردد و ملکیت طرف دوم در نفوذ آمده مدت این قرارداد به موجب ماده ۳۴ بیست و پنج سال است که برای سه دوره ۵ ساله قابل تمدید می‌باشد.
فصلنامه اقتصاد ارزی ایران، سال سوم، شماره ۹

۳- مواقت‌نامه تفحص و اکتشاف و بهره‌برداری و فروش بین شرکت ملی نفت ایران و شرکت سافایر پتروپیلام، کانادایی، (امور حقوقی، صفحات ۲۹۹ تا ۳۳۱) در ۴۵ ماده مصوب ۹۲/۴/۲۵. مشابه دو قرارداد قبلی، طرفین این قرارداد به موجب بند ۳ دستگاه مختلط به صورت شرکت سهامی تشکیل دادند و در ایران تحت عنوان "شرکت نفت ایران کانادا" به ثبت رسیدند. و به صورت پنج‌تا درصدی در آن شرکت مشارکت نموذج. به موجب همین بند، هر یک از طرفین حق دارد که به سهم نفت خود را برای خود یا برای نماینده خود به جنس مطالبه نماید. ماده ۲۴ این قرارداد در مورد نحوه مالکیت نفت در سر چاه دقتاً همان ماده ۲۴ قرارداد شرکت ایران پان اورپک (مورد دوم فوقالذکر) می‌باشد. سایر موارد نیز کم و بیش مشابه قراردادهای دیگر است.

بنج فقره دیگر قرارداد نفتی که لایحه قانونی آنها در تاریخ ۱۳۸۳/۱۲/۲۴ به صورت همزمان به تصویب مجلس رسیده و شرک ذیل می‌باشد.

۴- قرارداد شرکت نفت فلات قاره دشتستان (دویکو)، (امور حقوقی، صفحات ۵۱۸ تا ۵۳۷)، در ۴۳ ماده قرارداد دستگاه مختلط بین شرکت ملی نفت ایران و بانک پتروپیلام مانشاین هند مصوب ۱۳۸۴/۵/۲۴. مشابه قراردادهای قبلی، شرکت دویکو تحت قوانین ایران به ثبت رسیده و طرفین قرارداد به صورت پنج‌تا درصد در آن مشارکت داشته.

۵- قرارداد شرکت نفت فلات قاره ایران "آیورپک"، بخش ۱ فلات قاره ایران، (امور حقوقی، صفحات ۵۷۴ تا ۵۸۶)، در ۴۳ ماده قرارداد دستگاه مختلط بین شرکت ملی نفت ایران و هفت شرکت نفت آمریکایی مصوب ۱۳۸۴/۵/۲۶، از طریق تأسیس شرکت سهامی آمریکایی، مشابه قراردادهای قبلی.

۶- قرارداد شرکت نفت شرکت ایمیلوکو، بخش ۱ فلات قاره ایران، (امور حقوقی، صفحات ۶۲۹ تا ۶۸۵)، در ۴۳ ماده قرارداد دستگاه مختلط بین شرکت ملی نفت ایران و شرکت نفت ایتالیایی، آمریکایی و هندی، مصوب ۱۳۸۷/۱۰/۲۷، از طریق تأسیس شرکت سهامی ایمیلوکو مشابه قراردادهای قبلی.

1. DOPCO: Dashtestan Offshore Petroleum Company
2. Bataafse Petroleum Maatschappij N. V.
3. IROPPO: Iranian Offshore Petroleum Company
4. IMINOCO: Iranian Marine International Oil Company
ویژه‌یای مطلوب قراردادهای نفتی: رویکرد اقتصادی- تاریخی

7- قرارداد شرکت نفت لاپیکو (آمریکا) با نفت ایران و شرکت نفت آمریکایی مصوب ۲۰/۱۳۴۳، در ۲۳ ماهه: قرارداد
دستگاه مختلط بین شرکت ملی نفت ایران و شرکت نفت آمریکا، مصوب ۲۰/۱۳۴۳/۲۸، از طریق تأسیس شرکت سهامی لاپیکو، مشابه قراردادهای قبلی.
8- قرارداد شرکت فارسی-اف‌بی‌سی (آمریکا) با نفت ایران و شرکت نفت ایران و سه شرکت آلمانی مصوب ۲۰/۱۳۴۳/۲۹، از طریق تأسیس شرکت سهامی اف‌بی‌سی، مشابه قراردادهای قبلی.

خاطرات‌شناس می‌شود که الی‌بی‌ای قانونی راجع به اجازه مبادله و اجرای پنج قرارداد نفتی (شماره‌های ۳ تا ۸ فوقالذکر) جملگی در تاریخ ۱۳۴۳/۱۱/۲۴ به تصویب مجلس رسید و از این رو به لایحه قانونی پنج قرارداد نفتی تبلیغ می‌شود. این کار در روز ۱۳۴۳/۱۱/۲۴ به تصویب مجلس رسید. اما از سال ۱۳۴۵، مجدداً شاهد رونق قراردادهای مدارکی مبتنی بر قانون نفت ۱۳۳۶ هستیم. در تاریخ ۱۳۵۰/۱۰/۰۶، اقرار اجازه مبادله اجرا نموده شد که قرارداد نفت ۱۳۴۶ به مدارک اجرا عملیات تفحص و اکتشاف و یا نامتوازن و صدور بورس و صدور یا دو شرکت آمریکایی و گروه شرکت‌های زیبایی به شرح ذیل به تصویب رسید: (آمریکا) مصوب ۱۳۴۵/۱۰/۰۶.

۹- قرارداد نفت خلیج فارس (پیگیری)، (آمریکا) مصوب ۱۳۴۳ تا ۱۳۴۳، در ۲۳ ماهه: قرارداد دستگاه مختلط بین شرکت ملی نفت ایران و هفت شرکت آلمانی، مصوب ۱۳۴۴/۱۰/۲۱، از طریق تأسیس شرکت سهامی پیگیری، مشابه قراردادهای قبلی.

۱۰- قرارداد پوشکو: قرارداد متعلق به شرکت ملی نفت ایران و شرکت آمریکایی آمریکا هس کورپوریشن، (آمریکا) مصوب ۱۳۴۸/۱۰/۲۱، در ۲۴ ماهه در تاریخ ۵ مارس ۱۳۵۰ به امضال رسید و به موجب آن شرکت مختلط پوشکو برای انجام عملیات موضوع این قرارداد تأسیس شد.

1. LAPCO: Lavan Petroleum Company
2. F.P.C: Farsi Petroleum Company
3. Amerada Hess Corporation
فصل ششم اقتصاد تری ایران
سال سوم شمس

11. قرارداد هویکو: قرارداد بین شرکت ملی نفت ایران و شرکت آمریکایی موبل اولی کورپوریشن (شرکت نفت هرمز) (امور حقوقی، صفحات 1356 تا 1364)، در 40 ماهه که در تاریخ 5 مارس 1350 به امضای رسمی به موجب آن شرکت مخلوط هویکو برای انجام عملاع موضوع این قرارداد تأسیس شد.

12. قرارداد اینکو: قرارداد بین شرکت ملی نفت ایران و گروه‌های شرکتهای زاینی تی جین لیمیدت (شرکت نفت ایران و زاین) (امور حقوقی، صفحات 1375 تا 1413)، در 40 ماهه در تاریخ 5 مارس 1350 به امضای رسمی به موجب آن شرکت مخلوط اینکو برای انجام عملاع موضوع این قرارداد تأسیس شد.

ل- سه قرارداد خدمت (پیمانکاری) منتقله قبل از تصویب قانون نفت 1353 (پیمانکاری)، با هدف مشابه قراردادهای باعث متقابل علاوه بر 12 قراردادی که براساس قانون نفت 1366 منتقله شد و به اجمال در بند ک مطرح گردید، چند قرارداد دیگر نیز در جاری‌بندی قراردادهای خدمت یا پیمانکاری به شرح ذیل منتقله شدند:

1- قرارداد پیمانکاری اکتشاف و تولید بین شرکت ملی نفت ایران و شرکت فرانسوی "اراب" و شرکت فرانسیسی سوفران (وابسته به اراب) (امور حقوقی، صفحات 942 تا 1000) در 44 ماهه، مصور 9/19/1372. ساختمان این قرارداد با 12 قرارداد قبلی کاملی تفاوت است. به موجب ماده 2 شرکت اراب و شرکت‌های وابسته به آن در قبال انجام خدمات فنی، مالی و بازارگانی حائز ارزش‌های دریافت خواهند کرد. به موجب بند 3 اراب. و بدون ارائه عملات اکتشاف و در صورت پیدایش نفت، جهت انجام عملات ارزیابی و توسعه در اختیار شرکت ملی نفت ایران خواهند گذارد. وجوه مربوط به عملات اکتشافی، به صورت ولید بدون بهره تادیه خواهد شد و استرداد آن مکول به کشف و تولید نفت به مقادير تجاری خواهد بود. وجوه مربوط به مخارج ارزیابی و توسعه، امام بهره تلقی شده و طبق روش مقرر در این قرارداد مسترد خواهد شد. به موجب بند چ همین ماده، "اراب به عنوان استقلال، مقادیر معینی از نفت خام را از طرف

1. Mobil Oil Corporation
2. Tijin Limited
3. Service Contract
4. Erap
ویژه‌های مطلوب قرارداد‌های نفتی: رویکرد اقتصادی - تاریخی ... ۳۲

شرکت ملی نفت ایران در بازارهای جهان به فروش خواهد رسید و طبق مقررات این قرارداد، قسمتی از وجه حاصله از فروش را شرکت ملی نفت ایران و دولت ایران برای خرید کالا و خدمات فنی و تیکه به مصرف خواهد رسید. بنابراین، بر طبق اجلاس ۱، ۲، و ۳ ماده ۴ مدت قرارداد برای مرحیله اکتشاف ۶ سال است که برای دو دوره دو ساله اضافی در نواحی خشکی و یک دوره ساله اضافی در نواحی دریایی قابل تمدید است. مدت این قرارداد برای مرحیله بهره‌برداری، ۲۵ سال از تاریخ شروع تولید نجیب خواهد بود.

نکته قابل توجه به لحاظ مالی این این سنت که به موجب جزء ۱ ماده ۵، شرکت ملی نفت ایران در همه اوقات مستقیمی کلیه عملا وابسته موضوع این قرارداد را به عهده خواهد داشت با این تفاهم که کلیه وجه لازم برای انجام عملا وابسته که از طرف ارگ تأمین خواهد شد و این وضع ادامه خواهد داشت تا زمانی که وجه حاصله از عملا مسئول شرکت ملی نفت ایران می‌گردد به حداکثر مدت که شرکت ملی نفت بیکاری مدارک ارتباطی و توسیع را رأسا تأمین کند، به موجب جزء ۱ ماده ۶، "تمام فنی که به موجب این قرارداد تولید می‌شود کلاً در صور تهیه شرکت ملی نفت ایران تعلق خواهد داشت"، با وجود این، به موجب ماده ۲۲، در طول مدت بهره‌برداری، برنامه‌های عملا وابسته به پیمان‌کاری کل این شرکت مخابراتی با مشورت شرکت ملی نفت تهیه و ... به مورد اجرای گذاره خواهد شد.

در مجموع به نظر می‌رسد قرارداد پیمان‌کاری اراب ساختاری کاملاً مشابه با قرارداد‌های به متقابل دارد زیرا کلیه هزینه‌ها نهایتاً از طرف شرکت خارجی تأمین می‌شود و شرکت ملی نفت از محل تولیدات مربوط به همین قرارداد، این هزینه‌ها را به علاوه بهره به شرکت خارجی برداخت می‌کند. بنابراین، قرارداد اراب را به لحاظ تاریخی می‌توان نقشه شروع قرارداد‌های بیع متقابل دانست.

۲- (قرارداد پیمان‌کاری اکتشاف و تولید بین شرکت ملی نفت ایران و شرکت‌های اروپایی؛ امور حقوقی، صفحات ۱۱۸ و ۱۱۶)، در تاریخ ۱۸ اسفند ۱۳۶۷، صبح ۳ مارس ۱۹۸۹ بین شرکت ملی نفت ایران و اراب فرانسوی، آژیب ایتالیایی و یک شرکت اسپانیایی، یک شرکت بلژیکی و یک شرکت اطروشی (OMV) متعهد شد و قانون مربوط به آن در ۱۳۶۸/۸۳/۳۱ به تصویب مجلس رسید. این قرارداد در ۳۹ ماده ساختاری مشابه با قرارداد اراب مندرج در بند یک فوق الذكر دارد.
فصلنامه اقتصاد ارزی ایران سال سوم شماره ۹

۱۳۵۳ قانون نفت ۱۳۵۳ (به امور حقوقی، صفحات ۱۶۸۲ تا ۱۶۸۸) دومین قانون نفت است که در ماه‌های ۱۳۵۳ و ۱۳۵۴ در مجلس شورای ملی و مجلس سنایی اجرا گردیده است و هر یک از محدودیت‌های قانون قبلی را برداشت.

قانون نفت ۱۳۵۳ به امور حقوقی بود اما در زمینه اکتشاف، تولید، پیشنهاد و پخش نفت در سراسر کشور و فلاته قاره منحصراً به عهده شرکت ملی نفت ایران است که رأس‌ها به وسیله امکان‌ها و پیشنهادات، این اکتشافات را در این قانون کلیه قراردادهای نفتی مبتنی بر تصویب مجلس شورای ملی و مجلس سنایی یارایی کرد.

قانون مربوط به تحقیق و اکتشاف و استخراج نفت در سراسر کشور و فلات قاره مصرف هنوز محدود از تاریخ تصویب این قانون مغز و این قانون جایگزین آن می‌گردد. با توجه به اینکه قانون نفت ۱۳۵۳، جامعه بی‌پیمانی را برای قراردادهای نفتی بذیرفته است (قراردادهای خدمت) و نه به پرداخت به شرکتهای خارجی از محل تولیدات میان اکتشاف موضوع قرارداد با سایر مبادی است که شرکت ملی نفت ایران تبعیض می‌کند، لذا می‌توان این قانون را سراغ رزیم حقوقی و متقابل دانست که بعد از انقلاب اسلامی اقدام رایج قراردادهای نفتی شد. با وجود این، جانکه قبل در نهایت این بخش اشاره شد سه قرارداد به ترتیب در آذر ۱۳۵۵، اسفند ۱۳۴۷ و فوروردین ۱۳۴۸ در جامعه بی‌پیمانیی متفق گردد. در حالی که قانون مربوط به
мыكيه الطلب قراراته في نتف: روتكيرد اقتصادي - تاريخي...

قراراته يمامكاري في مال 2134 يب تصويب رسيد. با مقايسه متن قراراته سهامه
فوق الذكر با قانون نتف 1353 مشابهتهي اساسآنا كأملا روش است
به موجبة 1 ماده 10 قانون نتف 1353 مدت قراراته يمامكاري بهدو مرحلة
مويلا اكتشاف و توسع تقسيم خواهد شه. طويل مدت مرحلة اكتشاف حداكتر من تاريخ إجراي
قراراتا 5 مال خواهد بود. ماده 12، نحوي تأمين هزينه ياح عمليات اكتشاف و توسع را تعين
هي كن: ... طرف قراراد حق خواهد داشت كه در بربر ريسك هزينه ياح اكتشافيه كه تتحمل
غريدده و زيه در بربر تعهد تأمين هزينه ياح عمليات توسعه كه برعهده جرتفه است ... مقدار از
نتف ميدان مكشوره را از تاريخ آغاز توسعه تجااري و و في مدينه كه في 15 مال تجاور نتوهده
كرد خريداري نماید. [این مقدار] ... در هر حال از نجاو درصدد نتف توسعه ميدان مكشوره
تباوز نتخواهد نمود ... بهاي نتف فروخته شده به طرف قرارداد ... به انداره مجموع مس تخفيف زير
از بهاي فوب رابج بازار نتف مزبور ازاتر باشد: الف - تخفيفي كه رقم كل كه در هر مال بربر با
یک دهم مجموع ماليه باشد كه طرف قرارداد از تاريخ إجراي قرارداد تا آغاز توسعه تجاوري از
باهي هزينه ياح عمليات اكتشاف و توسعه در ناحيه قرارداد متحمل شده است ... ب - تخفيفي
حداکتر معادل 5 درصدد بهاي فوب رابج بازار نتف فروخته شده به طرف قرارداد، كه این تخفيف
ظرف تمام مدت اعتبار قرارداد فروش ادامه خواهد داشت.

قراراته يمامكاري متعقده براساس قانون مذكور جمعًا 6 مورد ميابه: كه در ادامه معرفي
خواهد شد. نکته جالب توجه اين است كه به موجب اسناد حقوقي منشور شده وزارت نتف،
قرارداد اول دو روز قبل از تصويب قانون نتف در مجلس شوراي ملی متعقد شد. قراردادهاي دوم
و سوم در همان روز تصويب قانون، قرارداد چهارم 8 روز بعد از تصويب و قراردادهای نچم و
شمش به ترتيب 22 و 25 روز بعد از تصويب اين قانون، به امضای رسیدند.

1. Compagnie Francaise Petroles: (CFP)
نتیجه اقتصاد ایران - سال سوم - شماره 9

نفت‌ایرانقرارداد ضمن آنکه ریسک عملیات اکتشاف‌رای پذیرفت. دقتاً مشابه قراردادهای پیمانکاری موضوع بند لاین بخش، وجهی که به منظور تأمین هزینه‌های توسعه‌ای پرداخت شود وام با بهره محصول خواهد شد. به موجب ماده 15 این قرارداد، شرکت ملی نفت ۴۵ درصد نفت خام تولید شده و به دست آمده از میدان [را برای شرایط تخفیف] به شرکت فرانسوی می‌پردازد.

۲- قرارداد پیمانکاری برای اکتشاف و توسعه نفت بین شرکت ملی نفت ایران و شرکت آلمان دمینکس ایران (شیراز)، (مهم‌های حقوقی، صفحات ۱۷۲۴ تا ۱۷۵۱) در ۲۷ ماهه که در هشتم مداد ۱۳۵۳ منعقد شد. به موجب این قرارداد، شرکت نفت دمینکس ایران به عنوان پیمانکار گل تأسیس شد.

سایر شرایط با تغییرات اندکی مانند قرارداد قبلی است.

۳- قرارداد پیمانکاری برای اکتشاف و توسعه نفت بین شرکت ملی نفت ایران و شرکت آلمان دمینکس (آبادان)، (مهم‌های حقوقی، صفحات ۱۷۵۲ تا ۱۷۷۷) در ۲۷ ماهه که در هشتم مداد ۱۳۵۳ منعقد شد. مجدداً شرکت نفت دمینکس ایران به عنوان پیمانکار گل تأسیس شد.

۴- قرارداد پیمانکاری برای اکتشاف و توسعه نفت بین شرکت ملی نفت ایران و شرکت ارگلیکس اولترا مار لیمیند، (مهم‌های حقوقی، صفحات ۱۷۸۴ تا ۱۸۰۴) در ۲۷ ماهه که در شانزدهم مداد ۱۳۵۳ منعقد شد. به موجب این قرارداد، شرکت نفت اولترا مار ایران به عنوان پیمانکار گل تأسیس شد.

۵- قرارداد پیمانکاری برای اکتشاف و توسعه نفت بین شرکت ملی نفت ایران و پن کانادین پتروالو لیمیند، (مهم‌های حقوقی، صفحات ۱۸۲۳ تا ۱۸۳۲) در ۲۷ ماهه که در بیست و ونیم مداد ۱۳۵۳ منعقد شد. بر عهده نفوذ این قرارداد، شرکت‌های خارجی طرف قرارداد با شرکت ملی نفت عبارت بودند از اشنال والو اینکور بورینگ که یک شرکت آمریکایی است و پن کانادین پتروالو که کانادایی است و در این قرارداد مجتمع با عنوان گروه اشنال نامیده شدند. گروه اشنال یک شرکت فرعی پیمانکار کل این قرارداد بود. شرایط این قرارداد بین مانند قراردادهای قبلی می‌باشد.

۶- قرارداد پیمانکاری برای اکتشاف و توسعه نفت بین شرکت ملی نفت ایران و آجیب اس. ب. آ. (مهم‌های حقوقی، صفحات ۱۸۳۲ تا ۱۸۵۱) در ۲۷ ماهه که در سوم شهریور ۱۳۵۳ منعقد.

1. DEMINEX
2. Ultramar Company Limited
3. Pancanadian Petroleum Limited
4. Agip S.P.A
ویژگی‌های مطلوب قراردادهای نفتی: ریکاردو اقتصادی - تاریخی

شدر. شرکت نفت آیج ایران به عنوان پیمانکار کل این قرارداد تأسیس شد. شرایط این قرارداد نیز کم و بیشماند قراردادهای قبلی است.

اسل نقد قرارداد می‌نفت نشان دهد که قرارداد دیگری تا انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ منعقد نشد است.

ج - قوانین و قراردادهای نفتی بعد از انقلاب اسلامی

بعد از انتخابات اسلامی، شورای انقلاب ماه ۱۳۵۸/۱۸ به شرح ذیل در تاریخ ۱۳۵۸/۱۰/۱۸ تصویب نمود: "کلیه قراردادهای نفتی که به تنشیخ کمیسیون خاصی که ارائه طرف و وزیر نفت تعیین می‌شود، مطابق با قانون می‌شود سند صنعت در ایران تنشیخ داده شود که این گردیده و دعاوی ناشی از انعقاد و اجرای این قراردادهای به رأی این کمیسیون تابع قانون هم و فصول می‌باشد. این کمیسیون با شرکت نماینده و هماهنگ امور خارجه، خود به‌نام بوده، (مصوبات شورای انقلاب)، شماره نهائی روزنامه رسمی ۱۳۵۸/۱۰/۱۰، تاریخ انتشار روزنامه رسمی (۱۳۸۵/۱۱/۲۰)." شاید اولین موردی که قانونگر در قانون نفت توجه کرده است قانون الزام دولت یک کلیه قانونی نفت، مصوب مجلس شورای اسلامی است که به موجب ماه ۱۳۶۱/۱۲/۱۵ مجلس شورای اسلامی است که به موجب ماه و اجرای این قانون، وزارت نفت موظف است طرح مدت ۴ ماه لایحه نفت و استاندارد مؤسسات تابعه خود را منطبق بر مواضع اساسی و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به طبیعی ۷۴ قانون اساسی، به مجلس شورای اسلامی تقدیم نماید، (امور حقوقی، صفحه ۲۱۶۴) به نظر می‌رسد که این مصوبه در مدت زمان تعیین شده (۴ ماه) اجرا نشده است. اما ۵ سال بعد، قانون نفت به تصویب رسید.

• قانون نفت ۱۳۶۶

قانون نفت ۱۳۶۶ (امور حقوقی، صفحه ۲۱۶۴) در وضعیت قانون نفت کشور می‌باشد که در ۱۲ ماهه در تاریخ ۱۳۶۶/۷/۳ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. این این قانون، "اموری از قراردادهای نفتی در معاوضه موس و جامع شامل کلیه فعالیت‌های فنی، مالی، تجاری، آموزشی، محیط زیستی، و تظیای آن در حوزه‌های نفت، گاز، و پتروشیمی، تعیین شده است. با توجه به بانک دانهد ماه، بررسی ها و برنامه‌ریزی و طراحی فنی و اقتصادی و انعقاد قراردادهای پیمانکاری و مشاوره به‌بخشی از "اموالی نفتی" تعیین شده است به نظر می‌رسد که قانونگر انعقاد قراردادهای نفتی با شرکتهای خارجی را در چارچوب نظام حقوقی پیمانکاری
۷۸
فصلنامه اقتصاد ارزی ایران سال سوم شماره ۹

قراردادهای خدمت) مجزا می‌شناست. از این رو، قانون نفت ۱۳۶۶ از منظر نظام حقوقی قراردادهای، مشابه قانون نفت ۱۳۵۵ می‌باشد.

موجب ماده ۲ مفاد نفت کشور جزء انتقال و ثروت های عمومی است و طبق اصل ۴۵ قانون اساسی در اختیار حکومت اسلامی می‌باشد ... اعمال حق حکم‌خواهی و مالکیت نسبت به منابع و تأسیسات نفتی متعلق به حکومت اسلامی است که براساس مقررات و اختراعات مصرح در این قانون به عهده وزارت نفت می‌باشد ... ساز و کار اتفاق قراردادهای نفتی با شرکتهای خارجی را ماده ۴ تعیین کرد. است: اتفاق قراردادهای مهم خاصات حقیقی و حقوقی داخلی و خارجی و تشخیص موارد مهم، نمایندگی آن‌نامه‌ای خواهد بود که با پیشنهاد وزارت نفت به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید. منظور این مفاد نمایه‌های هیچ‌گاه نهشند. از سوی دیگر، به نظر می‌رسد که این آن‌نامه‌ای، گاهی محدوده و قانون معاملات مربوط به قراردادهای نفتی است که قبل از اتفاق اسلامی رابطه و نمایندگی به تصویب مجلس بررسی. بنابراین می‌توان گفت یکی از نوآوری‌های قانون نفت ۱۳۶۶ همبستگی قانون نفت ۱۳۵۵، تضعیف حاکی‌کننده ظرفیت مجلس در تصویب قراردادهای نفتی با شرکتهای خارجی است. از سوی دیگر، به‌موجب ماده ۵، کلیه سرمایه‌گذاری‌ها براساس بودجه واحدهای عملیاتی از طریق وزارت نفت پیشنهاد و پس از تصویب مجمع عمومی در بودجه کل دولت درج می‌شود. سرمایه‌گذاری خارجی در این عملیات به هیچ وجه مجاز نخواهد بود. عبارت آخر در این ماده قابل تأمل است.

• قراردادهای بین متفق

بنده بیان می‌کنم ۲۹ قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۶۸/۱۱/۱۳۷۶/۱۱ برای نخستین بار به شکل ملی نفت ایران اجرا و اخیراً در است که به منظور تأمین گاز مورد نیاز برای مصارف داخلی و صادرات و بهره‌برداری از میدان‌گازی پارس و یارس جنوبی (مشارکت با قطر)، با ضمانت یک مشتری مركزی جمهوری اسلامی ایران، قراردادهای لازم با شرکتهای دی‌صلاح خارجی را حکم‌کرده تا سهمیه و دویست میلیون دلار متعاقب نماید، به نحوی که با پرداخت هزینه‌های سرمایه‌گذاری از محل تولید می‌تواند فواید صورت گیرد. (امیر حقوقی، صفحه ۳۲۸)
ویژه‌یای مطلوب قراردادهای نفتی: رویکرد اقتصادی - تاریخی... ۷۹

حقوقی، صفحه ۳۱۸۱). با اینکه در این قانون وزارت بیان مهاجر گرفته است اما مجوز حقوقی
انعقاد این قراردادها به موجب همتین تبصره صادر شد.

از موجب فوق الذکر، نخستین بار در قانون بودجه سال ۱۳۷۲ کل کشور (مصوب ۱۳۷۲/۱۱/۱۳۷۲) استفاده شد. دِند (ب) تبصره ۲۹ این قانون می‌گوید: از محل بنده (ا) تبصره ۲۹ قانون برنامه
اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران به شرکت ملی نفت ایران اجازه
داده می‌شود تا بلکه ۲ میلیارد دلار جهت احداث، توسعه و بازسازی واحدها مشروطه زیر:
طرح تکمیل پالایشگاه بندر عباس، احداث روبن‌سازی پالایشگاه بندر عباس، احداث پالایشگاه
مایه‌ای گردیده، عملیاتی توسط میادین ملی بندر بالادست، و سایری و بازسازی و تأسیسات
میادین نفتی بی‌طرف، سروش و پره‌گن در امتداد نقشه قرارداد به شرکتهای ذی‌صلاح خارجی ایجاد
به‌کلی اهداف داشته رأسا حداقل تا مبلغ ۳/۲ میلیارد دلار پس از تایید هیئت وزیران قراردادهای
لازم را به صورت بيع متقابل با شرکتهای ذی‌صلاح خارجی معنی‌دار می‌نماید... و هیچ‌گونه تبدیل
برای دولت و بانک مركزي جمهوری اسلامی ایران و یا درگیر بانک‌های کشور ایجاد نکند... (امور
حقوقی، صفحه ۳۱۷۷). در این تبصره برای نخستین بار وزارت بیر متقابل به کار رفت است.

در قانون برنامه پنج‌ساله مصوب اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران
۱۳۷۵/۲/۳۱ در اجرای قراردادهای بیع متقابل تأکید شده است. بنده (و) تبصره ۲۲ این
قانون به دولت اجازه داده است که اجراهای طرح‌های زیربنانی و توسعه معاون
متقبلا در موانع طرح‌های ذاتی براز طبق میهمانید بانک کشور تسهیل نماید. شرکتهای دولتی پا
خصوصی عاملی معاونت بيع متقابل را عهده‌دار می‌باشند. (امور حقوقی، صفحه ۳۲۶۷).
همچنین به موجب جزء ۳ بنده مهین تبصره، اجرای قراردادهای مربوط به بيع متقابل، صدور کالاهای

1. به نظر می‌رسد که به جای یک (ی) باید یک (ح) باشد.
فصل‌های اقتصاد ارزی ایران سال‌های ۹۰

پول‌دار مطالعه مطالعه قرارداد توسط شرکت‌های خارجی ذی‌ربط ضمنی و تعهد شده باشد، (آمریکا حقوقی، صفحه ۲۴۵). حاصل آن که اولین قرارداد نفت در چارچوب بع متقابل، براساس بند تبصره ۲۹ قانون بوده سال ۱۳۷۲ با شرکت فرانسوی توتال برای توسه میادین سیری E و A در ۲۲ تیرماه ۱۳۷۴ منعقد شد که سرآغاز مجموعه‌ای از قراردادهای بیع متقابل است که به شرکت‌های خارجی منعقد گردید.

با توجه به اینکه در قانون نفت ۱۳۶۶، تصريح نشده است که قراردادهای نفت با شرکت‌های خارجی باید به تصویب مجلس شورای اسلامی بررسی، دسترسی به قراردادهای بیع متقابل علاً امکان‌پذیر نمی‌باشد. کلیه قراردادهای نفتی منعقده قبل از انقلاب اسلامی، از زمان روزریک (۱۳۵۱) و دارسی (۱۳۸۰) تا قرارداد پیمان‌کاری آجیب (۱۳۵۳) به آگاهی عمومی مرسی، اما قراردادهای نفتی منعقده بعد از انقلاب اسلامی محورمند تلقی شد. از این ورود برخی روایت‌گذاران در این مقاله، دیدن این به‌جای موجود در قراردادهای بیع متقابل از این کردار زیرا که این قراردادها اساساً به صورت رسمی در دست نبود. با وجود این، کلیات این قراردادها به داشته قرارداد خدمت می‌باشد کامل روشن است که به آنها اشاره خواهد شد.

آن دسته از قراردادهای بیع متقابل که در فاصله زمانی سال‌های ۱۳۷۴ تا ۱۳۸۲ به امضای رادی و برای توسه میادین بود، باید ترتیب که شرکت‌های خارجی پیشنهادهای خود را برای توسه میادین مورد نظر شرکت می‌نفتند، در قابلیت الگوهای فنی توسه و هزینه‌های مرتبط، مطرح می‌کردند. شرکت می‌نفت به‌هرین پیشنهاد را انتخاب می‌کرد. با توجه به اینکه در قراردادهای بیع متقابل، کلیه هزینه‌ها به‌علاوه سود و پاداش پیمان‌کار باید از محل تولید همان میزان تأمین شود. اینی معادل قرارداد بیع متقابل برای اکتشاف منطقاً غیرممکن بود. از این رو، بنده فیکس، قانون بودجه سال ۱۳۸۲ (مصوب ۱۲/۱۱/۱۳۸۱)، این مشکل را به صورت زیر حل کرد: در اجرای مواد ۸۵ و ۱۲۲ قانون برنامه سوم ۱... در سال ۱۳۸۲ به شرکت می‌نفت ایران اجازه داده می‌شود در کلیه مناطق کشور به استثنای خوزستان که به بازرس قانون خود عمل خواهد کرد. به عمليات اکتشافی مربوط.

1. سایت شرکت ملی نفت ایران
2. منظر فانکنگارد، جزء ۲ بنده ماده ۸۵ است که تصريح می‌کند که ارزش خالص بهره‌ها و تعداد کشور در سال‌های برنامه سوم (مصوب ۱۳۸۱) بیش از ۲۵ میلیارد دلار نباید (آمریکا حقوقی، صفحه ۱۳۹).
ویژه‌یا مطلوب قراردادهای نفتی: رویکرد اقتصادی- تاریخی ... 81

به ریسک پیمانکار انجام و منجر به کشف میدان قابل تولید تجارتی شد، تا سقف یک میلیارد دلار با تصور شورای اقتصاد پس از تصور شورای اقتصاد و مبادله موافقتنامه با سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، مرحله توسع را به دنبال مرحله اکتشاف و از طریق عقد قرارداد با همان پیمانکار به روش به معاف متقابل آغاز نماید. هزینه اکتشاف (مستقيم و غیرمستقیم) در قالب قرارداد بیج متقابل که برای توسع میدان منعقد می‌شود، منظور و به همراه هزینه‌های توسع از محل فروش محصولات تولیدی همان میدان بازار داده شود. در صورتی که در پایان مرحله اکتشاف، میدان تجاری در هیچ نقطه‌ای از منطقه‌ای کشف نشده باشد، قرارداد اکتشافی خاتمه خواهد یافت و طرف قرارداد حق مطالعه بی‌گنونی و مکنده داشته‌اند. (امور حقوقی، مجله سرم صفحه 22) به‌دنبال ترتیب، امکان رقابت بین شرکت‌های نفت برای توسع میادینی که کشف شد استعمال از بین رفته زیرا که شرکت ملی نفت به‌موجب این ماده متنده می‌شود که قرارداد توسع میدان را با همان شرکتی منعقد نماید که عملاً اکتشاف را انجام داده است. خاطرات‌نام می‌شود که هزینه‌های توسع میدان جدید در برابر هزینه‌های اکتشاف است و لذا رقابت شرکت‌های خارجی در مرحله توسع معمولاً از همیث بیشتری نسبت به مرحله اکتشاف برخورد است. قراردادهای بیج متقابل که شامل مراحل اکتشاف و توسع می‌باشد اصطلاحاً به «نسل دوم قراردادهای بیج متقابل» معروف است هرچند که این اصطلاح جنبه رسمی ندارد و در استاتس حقوقدانی وزارت مطالعه نشده است. نکته جالب توجه این است که قانون بودجه سال 1382 ه. علی القاعده می‌پایست براساس قانون برنامه سرم صادر نشده است با وجودان، مجوز موزیک در قانون برنامه چهارم توسع اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب 1382/6/11 در پن سبب به شرح ذیل صادر شده است: به مدارک افزایش طرفیت توسع و ارائه سهمیه ایران در تولید اویکت، شوک و حمایت از جذب سرمایه‌ها و موانع خارجی در فعالیت‌های بالادستی نفت گاز، به ویژه در میادین مشترک و طرح‌های اکتشافی کشور، اطمینان از حفظ و صنایع هرچه بیشتر با استفاده ضرب بازیافت از مخازن نفت و گاز، کشور، انتقال و به کارگیری آن‌ها به آوریل جدید در توسع به ویژه در میادین نفت و گاز و امکان استفاده از روشهای مختلف قراردادهای بین‌المللی، به شرکت ملی نفت ایران اجازه داده‌می‌شود... نسبت به
قانون نفت ۱۳۹۰
قانون نفت ۱۳۹۰ دروازه اصلاح قانون نفت ۱۳۶۶ است که در ۹ ماهه در جلسه علی روز یکشنبه
۱۳۹۰/۰۳/۲۲ به تصویب مجلس سوابق اسلامی و تأیید شورای نگهبان رسید. هرکه از این موارد
گذشته یا پیش از مواد قانون نفت ۱۳۶۶ را اصلاحسیده و یا آنکه ماده جدیدی به آن قانون
میافزاید، به نحوی که نهایتاً قانون اصلاح شده نفت، شامل ۱۶ ماده شد. است. به نظر می‌رسد که
همه موارد اصلاحی بر شرح ذیل است: به موجب ماده ۲ «کلیه منابع نفتی جزء انفال و
نرونهای عمومی است. اعمال حق حاکمیت و مالکیت عمومی بر منابع مذکور به مبادله‌گی از
طرف حکومت اسلامی بر عهده وزارت نفت است» به موجب ماده ۳ «نظام بر اعمال حق
حاکمیت و مالکیت عمومی بر منابع نفتی به عهده هیئت عالی اقتصادی مربوط به منابع نفتی است» که
ترکیب اعضای و شرایط آن را در بخش چهارم ماده سه خواهیم دید. ضمناً به موجب ماده
۱۴ از تاریخ تصویب این قانون، مواد قانون نفت مصوب ۱۳۵۰/۰/۸ لغو می‌گردد، مناصب محرمانه
بودن قراردادهای نفتی باید توسط وزارت نفت و شرکت‌های تابعه یک سازه از قراردادهای منعقده مربوط به صادرات گاز طبیعی و گاز طبیعی مالی
شبه و قراردادهای اکتشاف و توسیع... را به صورت محرمانه به مجلس شورای اسلامی تسليم
می‌نماید. (ماده ۱۵۰)
بعد از ذکر اجمالی ساختار و کلیات قراردادها و قوانین نفتی، آگاه به بررسی ویژگی‌های
مطابق در هر یک از این قراردادها می‌پردازیم. در بخش دوم این مقاله، ویژگی‌های مطابق
قراردادهای نفتی را به چهار بخش تفکیم کرده و در ادامه این مقاله، هر یک از این ویژگی‌ها را
در سیر تحول قراردادها و قوانین نفتی ایران بررسی خواهیم کرد.
ویژگی‌های مطلوب قراردادهای نفتی: رؤیتکرد اقتصادی - تاریخی...

۴. رعایت اصول مالکیت و حاکمیت ملی بر منابع نفتی

اصل حاکمیت بر منابع طبیعی و از جمله بر منابع نفتی از اصول پذیرفته شده در حقوق بین‌الملل است که ریشه در اصول مالکیت دارد. به همین دلیل، دولت‌های در همه کشورها می‌توانند قراردادهای نفتی را به صورت یک جانبه نفوذ و از شهرکهای نفتی خارجی خنثی بکنند. به هر آنکه «حقوق مردم و ملت‌ها در حاکمیت دائمی بر سر بیش از منابع طبیعی خویش»، می‌باشد به نفع توسعه ملی و

سعادت‌مندی مردم کشور مزبور عمالک شده‌اند.

بررسی اجمالی تاریخ تحولات قراردادهای نفتی در بخش سوم این مقاله نشان می‌دهد که بعد از لغو قراردادی با یک شرکت یا گروهی از شرکت‌ها، قرارداد دیگری با همان شرکت یا همان گروه (و معمولاً با افزایش تعداد شرکت‌ها) و با تغییرات در سازواری ممکن است قراردادی از عواپید نفتی منعقد شده‌است. لغو قراردادهای نفتی با یکی یا دو کشور خارجی بعدها از انقلاب اسلامی و عدم انعقاد قرارداد جدید تا بیش از یک دهه، نتیجه استناد در الین مورد است.

اکنون به بررسی اصول حاکمیت و مالکیت در سیر تحول قراردادهای نفتی در کشور می‌پردازیم. در امتیازنامه رویتر (۱۳۵۱ مطابق با ۱۸۷۲ میلادی)، هیچ گونه توافقی به این امر نشده است زیرا که این امتیازنامه از طرف «اعلیحضرت همبستگی شاهنشاهی» (ناتورالدین شاه قاجار) اطلاعیه بوده و به آن متوجه ایران... به روزی اجازه و اختیار نام دهد که در فرانسه به هر اسم و هر شرایطی که خود مشخص نماید، یکی یا چندین کمیته ها تأسیس و احداث بکنند که در تمام خاک ایران به آن کارهای مفیدی که در این امتیازنامه مذکور است اقدام بکنند و آنها را مجزی می‌دارند. بنابراین شرکتهای عماده که قرار بود به موجب این امتیازنامه تأسیس شود تحت قوانین ایران قرار نمی‌گیرند. با وجود این، مالکیت بر مجازات همچنان با «اعلیحضرت همبستگی شاهنشاهی»، بود زیرا به موجب قرآن به سوی ایران... به اصحاب این امتیاز، حق مخصوص و امتیاز انحصاری و قطعی می‌دهد که در مدت طول این امتیاز... به تمام... به کار بگیرند و آنها هم فراموش نمی‌گردد... که کاشف از عدم انعقاد مالکیت است. از سوی دیگر، هیچ امتیازنامه‌ای نیست که مدت زمان معین نداشت باشد و منطقاً مالکیت را نمی‌توان برای مدت زمان معین، منتقل کرد. به هر حال، جانانگ به بخش سوم دیدیم:

2. The right of people and nations to permanent sovereignty over their natural wealth and resources must be exercised in the interest of their national development and of the well-being of the people of the State concerned.
امتیازنامه روبیتر در سال ۱۴۶۸ توسط ناصرالدین شاه لغو شد که مصداقي از اعمال حاکمیت است.
ولی "امتیازنامه بانک شاهنشاهی" به مدت ۶۰ سال به روبیتر اطلاع رسانی که علاوه بر فعالیت‌های بانکی، حق استخراج معادن از جمله نفت را نیز به روبیتر می‌داد.
نظر به اینکه امتیازنامه دارسی (۱۴۸۰ مطابق با ۱۹۰۱ میلادی) قبل از تصویب قانون اساسی مشروطیت (مصوب ۱۳۸۵/۱۳۸۶ شمسی)، از طرف مظفرالدین شاه قاجار به دارسی اعطا شد، هچ اشارهای در این امتیازنامه به اصل مالکیت و حاکمیت ملی بر ذخایر نفت نشده است. با وجود این، به موجب فصل نهم، دولت علیه ایران به صاحب امتیاز اجازه می‌دهد که بتواند از این نفت خود به جهت انتفاع از آن امتیاز تأسیس نماید. اساسی و نظامنامه آن شرکت‌ها به توسط صاحب امتیاز معین خواهد شد مشروط بر اینکه در ایجاد هر شرکتی، صاحب امتیاز، آن ایجاد را رسمی به توسط کمیسیون دولت اطلاع بدهد و مدرک‌های شرکت‌ها به توسط خود ارائه خواهد شد."
بنابراین مطرح رابطه مالی ایران قرار نمی‌گیردهد. لغو این امتیازنامه به توسط رضا شاه و تصویب مجلس سنای ملی در تاریخ ۹/۹/۱۳۱۹، کاشیف از اعمال حق حاکمیت بر منابع نفتی است.

متعاقباً در سال ۱۳۲۲ مطابق با ۱۹۳۳ میلادی قرارداد جدیدی تحت عنوان امتیازنامه شرکت نفت انگلیس و ایران به تصویب رسید که در واقع ادامه همان امتیازنامه دارسی در شکل جدید است. ماده ۲۱ این امتیازنامه مقرر می‌کند که "این امتیاز را دولت لغو نخواهد کرد و مفاد مقررات آن در آنی به‌وسیله هیچ قانون عمومی و خصوصی و یا هیچ یک از دستورات و نظامات اداری و یا عملیات مقامات اجرایی قابل تغییر نخواهد بود، که آشکارا با اصل حاکمیت ملی بر ذخایر نفت کشور مبنا و معتبر دارد.

چنان‌که دیده‌ایم ملی شدن صنعت نفت در ۲۹ اسفند ۱۳۲۹، امتیازنامه شرکت نفت انگلیس و ایران لغو شد اما در سال ۱۳۳۳ قرارداد کنسسیون بی‌پایه شد و حاکمیت نفتی در دیگر قرارداد مجلس رسید. نخستین باری که به رعایت اصل مالکیت در قراردادهای نفتی صریحاً اشاره شده است بند ۳ جزء (د) ماده ۱۸ این قرارداد کنسسیون می‌باشد: "نفت نخست و گاز طبیعی که شرکت ملی نفت ایران به شرکتهای بارزگانی می‌فرودد در سر چاه به مالکیت شرکتهای مربوط در این آمده، با وجود این، به نظر می‌رسد که اصل حاکمیت ملی بر ذخایر نفت و گاز کشور در قرارداد کنسسیون به درستی رعایت نشده است: به‌ویژه گونه اقدام قانون‌گذاری یا
ویژه‌های مطلوب قراردادهای نفتی: روش‌کرده اقتصادی - تاریخی

اداری اعم از مستقیم با غیر مستقیم و یا عمل دیگر از هر قبیل از طرف نفت‌پیکرهای ایران با مقامات دولتی در ایران (اعم از مرکزی و محلی) این قرارداد را اطلاع نخواهد نمود و در مقررات آن اصل با تغییر به عمل نخواهد آورد و محل حسن اجرای مقررات آن نخواهد شد. اگر یا اصلاح یا تغییر

بین بنا به قرارداد مزبور فقط در صورت توافقات طرف‌های این قرارداد ممکن خواهد بود. (جزء ماده ۳۱)

قرارداد گسترش‌سوم مصوب ۱۳۳۳ نزد روسال ۱۳۵۲ لغو شد و بلافاصله قرارداد دیگری در قبال گسترش‌سوم جدیدی با تعهد نیتری از شرکت‌های خارجی برای ۱۰ سال منعقد گردید که در واقع نتیجه‌ی تعیین و تعیین‌های مسیله قرارداد گسترش‌سوم قبلی بود. به‌طور مرسید که اصول حاکمیت و مالکیت در مقدمه‌ی این قرارداد جدید با صاحب‌پیمانی ذکر شده است: «ان این بود تحویل‌گیرنده‌گر هم‌کار است که حق تمام و کامل مالکیت و تلاش و کنترل دیوایزی هریک و دارابی‌ها و ادارهٔ صنعت به وسیله شرکت ملی نفت ایران اعمال شود.»

در قانون نفت ۱۳۳۳ که مربوط به عملیات نفت در خارج از ناحیه‌ای عملا نفتی گسترش‌سوم است، مورد مذکر در نظام قانون به مبلغ ملکیت لازم بر ذخیره‌ی نفتی تشکیل می‌دهد، فقط به عنوان ماده ۱۱ این نظر مؤثر است که بر اساس مسئله مالکیت و همین قدر اکتفا شده است که این قانون به هر عامل از جاهای موضوع عملیات خود تولید نماید در سر جهان به ملکیت مالکی‌تباریه در می‌آید.»

و همچنین این مسئله حقوقی در همه ۱۲ قراردادی که براساس قانون نفت ۱۳۴۶ منعقد شده است ملاحظه‌ی می‌شود. به عنوان مثال در قرارداد سیبیزیا (ولین قرارداد از مجموعه ۱۲ قرارداد فوق الذکر) که در سال ۱۳۳۶ منعقد گردید توجهی به مسئله مالکیت نشده است اما در قرارداد یگوسوکو که در سال ۱۳۴۴ منعقد شده (قرارداد شماره ۱۲ پنجم که پیوست یک مقاله به موجب ماده ۳۳۴۰ درصد از نفت که در ناحیه عملیات تولید می‌شود در سر جهان به ملکیت طرف اول و شرکت ملی نفت ایران و ۵۰ درصد دیگر به ملکیت طرف دوم (۷ شرکت آلمانی طرف قرارداد) در خواهد آمد.

در سه قرارداد پیمان‌گزایی که قبل از تصویب قانون نفت ۱۳۵۳ (قراردادهای خدمات یا پیمان‌گزایی) منعقد شد به رعایت اصول مالکیت و حاکمیت ملی بر ذخایر نفتی کشور توجه جدی نشده است. به عنوان مثال در قرارداد ارباب (مصوب ۱۳۴۵)، جزء ۱ ماده ۶ مقرر کرد که اینم فنی به یک موجب این قرارداد تولید می‌شود کلاً در سر سه تا به شرکت ملی نفت تعقیب خواهد داشت. دقیقاً مشابه این ماده در قرارداد پیمان‌گزایی اکتشاف و تولید بین شرکت ملی نفت ایران و
86
فصل‌ها اقتصاد ارژی ایران سال سوم شماره 9

شرکت‌های اروپایی (مصوبه 1368) ملاحظه می‌شود: «نفتی که به موجب مقررات این قرارداد تولید می‌شود کلّاً در سراسر ایران و در کشور مالکیت ملی نقش دارد.» (جزئی یک ماده 6). قرارداد پیمانگاری اکتشاف و تولید شرکت ملی نفت ایران و شرکت مالکیت کننده (مصوبه 1368) نیز وضعت مشابهی دارد، (مجدداً در جزئی 1 ماده 6). مناسبانه این حقیقت توجه نشده است که مالکیت ملی بر ذخایر و تولیدات نفتی نیاز به تصمیم در قراردادهای نفتی و تصویب مجمع‌نامه ندارد.

شعر رعایت اصول حاکمیت و مالکیت بر منابع نفتی در قانون نفت 1353 باین چند قدرت و تأکیدی بیان شده است که گوگرینگبار برای نخستین بار به این امر خطر توجه کرده است: منابع نفتی و صنعت نفت ایران ملی است و اعمال حق مالکیت ملی ایران نسبت به منابع نفتی ایران در زمینه اکتشاف، توسعه، تولید، بهره‌برداری و پخش نفت در سراسر کشور و فلات قاره منحصراً به عهده شرکت ملی نفت ایران است که رأساً یا به وسیله نماینده‌گی‌ها و پیمانگاران خود در آن باره اقدام خواهد کرد.» (بند 1 ماده 13). اما نهکه قابل توجه در این قانون، این است که کلیه برنامه‌های طرف قرارداد باید به تصویب شرکت ملی نفت بررسید: «طرف قرارداد ملزم خواهد بود که کلیه تعلیقات‌های خود را با موافقت و تصویب شرکت ملی نفت ایران انجام دهد.» (بند 2 ماده 13) این ماده، مصداقی از اعمال حاکمیت ملی بر منابع بهره‌برداری از ذخایر نفتی است. از سوی دیگر، به موجب ماده 19، نفت تولید شده از منابع نفتی ایران در مالکیت شرکت ملی نفت ایران خواهد بود. شرکت مزبور نمی‌تواند به صورت از نفت را مادام که استخراج نشده است به غیر انتفاع دهد.

در قانون نفت 1366 که در واقع سومین قانون نفت کشور و اولین قانون نفت بعد از انقلاب اسلامی است، اصول مالکیت و حاکمیت ملی بر منابع نفتی در ذلیل ماده 2 به شرح ذیل بیان شده است: «منابع نفت کشور جزو انفال و ثروت‌های عمومی است و طبق اصل 45 قانون اساسی در اختیار حکومت اسلامی می‌باشد... اعمال حق حاکمیت و مالکیت نسبت به منابع و تأسیسات نفتی متعلق به حکومت اسلامی است که براساس مقررات و احیای بюрکرک مصرح این قانون به عهده وزارت نفت می‌باشد.»

در قانون نفت 1390 که در واقع قانون اصلاح قانون نفت 1366 است اصل حاکمیت بر منابع نفتی (ماده 2 قانون نفت 1366) به شرح ذیل اصلاح شده است: «کلیه منابع نفتی جزو انفال و...»
ویژگی‌های مطلوب قراردادهای نفتی: رویکرد اقتصادی – تاریخی

فرضیه عمومی است. اعمال حق حاکمیت و مالکیت عمومی بر منابع مذکور به‌نام‌دگی از طرف حکومت اسلامی بر عهده وزارت نفت است. (ماده 2 قانون نفت 1390) همچنین ماده 3 قانون نفت 1367 به شرح ذیل اصلاح شده است: "نظام نفت بر اعمال حق حاکمیت و مالکیت عمومی بر منابع نفت به عهده هیئت عالی نظام نفت بر منابع نفت است که به وجوش این وارد ترکیب زیر تشکیل می‌شود: 1 - وزیر نفت به عنوان دبیر هیئت، 2 - معاون برنامه و راهبردی، 3 - وزیر امور اقتصادی و دارایی، 4 - رئیس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، 5 - رئیس کمیسیون ارزی مجلس شورای اسلامی، 6 - رئیس کمیسیون برنامه و بودجه و معاون‌های مجلس شورای اسلامی، 7 - دادستان کل کشور، 8 - دو تن از معاونان وزارت نفت به انتخاب وزیر نفت. (ماده 3 قانون نفت 1390) این ترکیب تخصصی نیروها در هیئت عالی نظام بر منابع نفت کاملاً مشهود است به ویژه آنکه به وجوش این وارده ترکیب زیر تشکیل می‌شود: 1 - وزیر نفت به عنوان دبیر هیئت، 2 - معاون برنامه و راهبردی، 3 - وزیر امور اقتصادی و دارایی، 4 - رئیس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، 5 - رئیس کمیسیون ارزی مجلس شورای اسلامی، 6 - رئیس کمیسیون برنامه و بودجه و معاون‌های مجلس شورای اسلامی، 7 - دادستان کل کشور، 8 - دو تن از معاونان وزارت نفت به انتخاب وزیر نفت. (ماده 3 قانون نفت 1390) این قانون تمرکز در نظر گرفتن از منابع نفت و گاز به منظور برداشت بهره و حداکثری ارزش‌گذاری اقتصادی از منابع مذکور به‌عنوان این هیئت عالی است!

با توجه به اینکه مسئولانی متن قراردادهای بین‌مذاهبی، محرمانه تلقی شده و در دسترس نیست، نمی‌توان در خصوص رعایت حقوق مالکیت و حاکمیت ملی بر ذخایر نفت در این قراردادها اظهارنظر نمود. با وجود این، جنون قراردادهای بین‌مذاهبی در چارچوب حقوق پیمان‌گذاری متعقده شده است پس می‌توان استنتاج کرد که اصول مالکیت و حاکمیت ملی، حداکثر منشا سایر قراردادهای خدمت، رعایت شده است.

5. رعایت حقوق و منافع ملی در جریان عملیات نفتی

در این بخش، به بررسی رعایت حقوق و منافع ملی در قراردادهای نفتی می‌پردازیم. به‌ویژه را به موارد ذیل محدود می‌کنیم: بازرگانی، نافرجامی، عوامل مالی و اقتصادی از جمله عوامل اصلی این قراردادها (هزینه و درآمد)، دسترسی به کلیه گزارش‌ها و اطلاعاتی مربوط به عملیات، اثبات کلیه برنامه‌های تنها بر اساس شرایط عملیات در داخل عمر قرارداد، صنایع از منابع نفت و بهره‌برداری از محیط‌بیان با روش‌هایی که صحیح مناسب‌اند.

در امتیازهای رویتر (1351 میلیارد)، هیچ ماده‌ای که ناظر بر رعایت حقوق و منافع ایران در جریان عملیات نفتی به شرح فوق ذکر نباشد وجود نیست، اما در امتیازهای دارسی
88 فصلنامه اقتصاد ارزی ایران سال سوم شماره 9

(۱۲۸۰/۱۳۸۱ میلادی) مواردی وجود دارد که حقوق و منافع دولت را مدارک قرار داده است: دولت علیه متخلف است که یک نفر کمیسر معین نماینده که این کمیسر طرف صاحب امتیاز و مدیران شرکت‌ها خواهد بود. اگر حفظ حقوق دولت متفق با صاحب امتیاز هرگونه تغییری که قید نداده است عمل خواهد کرد، صاحب امتیاز هم ساله از تاریخ تشكیل شرکت اول، مبلغ هزار لیره انگلیسی به کمیسر دولتی حق خواهد داده. (فصل پایه‌نظام).

به مدت حقوق ناظری که دولت ایران تعیین کرده است توسط شرکت خارجی پرداخت می‌شود مورد برداشته از تأمین منافع ملی را می‌توان در صورت بازده‌نمایی ملاکه‌نامه کرده و جهت استخراج و انتفاع معاونات، متعلق به دولت علیه خواهد بود. شرکت حق هیچ‌گونه غرامت از این بابت نخواهد داشت.

در امتیازنامه شرکت نفت انگلیس و ایران (۱۳۲۲ میلادی) که در واقع ادامه همان امتیاز دارسی به شکل جدید است، به حقوق و منافع ملی توجه پیشتری شده است. به موجب بنیاد ماده ۴۳ حساب این امتیاز نیابت از یکصد هزار میل مربع انگلیسی تجاوز نمی‌نماید. و کمپانی پاید ماده ۴۳ تا قبل از پایان سال ۱۳۵۸ قطعات مورد نظر خود را با رایانت ضابطه فوق الذکر تعیین و کتابی به دولت اطلاع دهد. همه‌جان بر طبق بنیاد ماده ۱۲، کلیه حقوقی که مقرر به کسب نفت تهیه‌کننده و آپ با موانع ویزیتی دیگر در آن پایان می‌شود به این دلیل حقوق شود و فوراً کمپانی، دولت را از کشف‌فکت جزوی متعلّق سازد...»

رعایت حقوق و منافع دولت ایران در ماده ۲۱ به صورت صریحتری بیان شده است: «...کمپانی تصویب تعهد می‌نماید که در هر وقت و هر موقع، حقوق و امتیازات و منافع دولت را در نظر داشته و اقدام به هیچ عملی با خودداری از عملی که موجب زیان دولت باشد نماید...» اما نکته اساسی که معمولاً نه تنها در این قرارداد بیشتر در قراردادهای بعده‌ندی می‌دیده است شناخت مساعدات این منافع و یا مبانی از اقداماتی است که موجب زیان دولت در جریان عملیات نفتی می‌شود. فقدان دانش و تخصص و تجربه کافی در شناخت این مساعدات و تأمین منافع ملی در قراردادهای منعقده به شرکت‌های نفتی خارجی بوده و هست. سرانجام، در اجرای دوم و سوم بنده ماده ۲۰ این امتیازنامه مقرر شده است که در موقعیت امتیاز خواه به واسطه

۱. مبلغ یک میلیارد با ۱۲۸۰ میلیون ام‌ام‌تی است.
ویژگی‌های مطلوب قراردادهای نفتی: روشکرد اقتصادی - تاریخی...

انقضای عادی مدت و یا به هر نحو دیگر پیشامد کرده باشد، تمام دارایی‌کنندگان در ایران شامل تمام اراضی و اینه و کارخانه‌ها و ساختمان‌ها و مزارع و سادگاه‌ها و راه‌ها و لوله‌های حمل و نقل و ماساک و مواد و مواد تشکیل دهنده نتایج و تجهیزات (و تظاهرات آن) در ایران به طور سالم و قابل استفاده بدون هیچ مخارج و بی‌پایه متعلق به دولت ایران می‌گردد، خاطر نشان می‌شود این ماده 15 قرارداد اولیه دارد است با این اختلاف که در قرارداد دویست از عبارت "تمام اسباب و اینه و ادوات موجود شرکت به جهت استخراج و انتفاع معدن" استفاده شده است در حالی که در امتیازنامه جدیدی و از ایران، اضافه شده است که نتوان آثار حقوقی این ماده را به دارایی‌های شرکت در خارج از ایران توسیع داد.

در مورد حق نظارت دولت ایران بر عملیات شرکت نفت انگلیس و ایران، چنین ماده به شرح ذیل در این امتیازنامه وجود دارد: کمیسری تعهد می‌نماید که... هر موقعی که نمایندگان دولت تفاوت می‌کند داده‌های صحیح از تمام طرح‌ها و بهره‌های و سایر موارد و استاد راجع به وضعیت سطحی اراضی و طبقات اراضی و حفره‌های مربوط به حوزه امتیازی که موجود دارد به وزارت مالی به‌هدی. به علاوه، در تمام مدت امتیاز، کمیسیون تمام اطلاعات مهم علمی و فنی را که از تیپ عملیات خود در ایران به دست آورده به دولت ارسال خواهد داشت، این (ماده 13). قلمرو نظارت دولت در ماه‌های دیده این امتیازنامه توسیع می‌گردد: "دولت به میل خود در هر موقع مناسب حق خواهد داشت امر به نتیجه عملیات فنی کمپانی در ایران نموده و برای اجرای این مقصود از اهل خبر و متخصصین فنی مأمورین بگمارد. کمپانی مدارک و استاد و... و سایر و آلات انتقالی و گرفتن استخراج نفت را در دسترس مأمورین خبره و متخصص دولت خواهد. گذارد و به علاوه، مأمورین مربوط در تمام داده‌کنندگان در تمام خاک ایران حق تحصیل هزینه اطلاعی را خواهد داشت. (بند ۶ ماده ۱۴). به موجب ماده ۱۵ دولت حق تعیین یک نفر نماینده را خواهد داشت و نماینده مزبور (مأمور دولت شانه‌شانه) نامی‌شده شده و [می‌تواند] در تمام جلسات هیئت مدیره و کمیته‌های آن و در تمام جلسات مجمع عمومی که برای دامکره در مسائل راجع به روابط دولت و کمپانی تشکیل شده بیشتر حضور به‌همساند، (بند ۱۶ ماده ۱۵).

سازوار کمیتر نظارت دولت بر عملیات یک شرکت نفتی خارجی، برای اولین بار در تاریخ صنعت نفت کشور به صورت کامل‌داقیق در امتیازنامه شرکت نفت انگلیس و ایران به‌عنوان است یک بحث اصلی در تأمین منابع مالی و وجود افراد صادق، معنی‌دار، دلسوز، مخصص و یا ترجیح است که
شامل توجهاتی است که می‌تواند در زمینه‌های مختلفی از جمله تاریخ، علوم سیاسی، و اقتصادی کاربرد داشته باشد. هدف اصلی این توجهات، ایجاد یک پیامد جدیدی است که می‌تواند به بهبود وضعیت اقتصادی کشور درآید.

در اینجا، می‌توان به چند نکته کلیدی اشاره کرد:

1. توجه بیشتری به عوامل اقتصادی

2. بهبود سیستم مالی و اعتباری

3. ایجاد بازارهای فعال و عادلانه

4. افزایش اشتغال و کاهش سطح بیکاری

5. ارتقاء بهره‌وری و بهبود کهیه‌گیری منابع کشور

این انبوه نکات کلیدی بهبود در زمینه‌های مختلفی از جمله تاریخ، علوم سیاسی، و اقتصادی کاربرد داشته باشد. هدف اصلی این توجهات، ایجاد یک پیامد جدیدی است که می‌تواند به بهبود وضعیت اقتصادی کشور درآید.
ویژه‌یای مطلوب قراردادهای نفتی: روشکردهای اقتصادی - تاریخی

حقوق و منافع خود را به دیگری و اگارد کند از دیگر مواردی است که در قرارداد کنسروسیم درنظر گرفته شده است. به‌موجب ماده ۳۹، هر عضو کنسروسیم حق خواهد داشت که... تمام یا

بت قسمت حقوق اما مبنای را که با نهج کان که به موجب این قرارداد داده است، به شخص

دیگری بفوست و اگارد یا منتقل کند به شرط آنکه، تا ایران کم تکادی نداده است اعتبار

پیدا نکند، ضمناً در همه ماده تصریح شده است که ایران از دادن این رضایت به دست دلیل موجه

خودداری نخواهد نمود.

در خصوص رعایت حقوق ایران در کسب اطلاعات فنی و بازرگی از عملیات ملی می‌توان به موجب ماده ۴ جزء (ز) ماده ۴، به‌طوری‌که شرکت

ملی نفت ایران و در طرف مدت معقولی، شرکتهای عامل به خروج هرگونه اطلاع‌رسانی را که

شکت ملی نفت ایران لازم بدانند از قبیل رونوشت‌ها دقیق طرح‌ها و نفتخواه، مقاطع و

گزارش‌های مربوط به فشردنداری و زمین‌شناسی و رفتاری تولید و تفصیل و سایر امور

مربوط به ناحیه عملیات هک جنبه قطعیت یافته به شرکت ملی نفت ایران تسهیل خواهد کرد.; به

موجب بند ۴ جزء و همین ماده، شرکتهای عامل و سایری فراهم خواهند کرد که متخصصین

فنی متخب از طرف شرکتهای ملی نفت ایران، عملیات فنی آنها را در موضوع مناسبی بازرسی

نماینند و کلیه اسناد و اطلاعات مربوط به مسائل علمی و فنی و سایر انداره‌گیری و نمی‌توانند و

آزمایش و در اختیار مختصات مزبور خواهند نهادند، با وجود اینکه یک جزء همین ماده

مقرر می‌کند که اعمال نظامت به صورتی نخواهد بود که مانع پیشرفت یا موجب طغیان جریان

عملیات شرکتهای عامل شود و یا اثر سوء در این عملیات بی‌خیال به...

تأکید بر تولید صیانت به وضع در قرارداد کنسروسیم ملاحظه‌ی بسیاری شده. بند ۱ جزء (و) ماده ۴،

شرکتهای عامل یا متعهد می‌کند به اطلاعات عملیات خود به روش خوب صنعت نتیج و بهبود از

اصول صحیح مهندسی در حفاظت ذخایر هیدروکاربرون و در اداره فنی مدل‌های نفت و پالسیگه

و در اقدامات مربوط به امداده و کردن به طریقی که در عملیات مشابه، م打包 و معامله است (کلاً

در ناحیه عملیاتی). به

رعایت حقوق و منافع ملی در پهپادداری از ذخایر نفتی در قانون نفت ۱۳۳۶ فقط محدود به

ملاحظات تولید صیانتی از مخازن است و لذا می‌توان نتیجه گرفت که حقوق و منافع ملی در

قرارداد کنسروسیم به مراتب بهتر از قانون نفت ۱۳۳۶ تأمین شده است. بر طبق بند (و) ماده نهم...
فصلنامه اقتصاد ارزی ایران سال سوم شماره ۹

عامل باشی متکفند شد که عملیات خود را با روش معمول صنعت نفت اطلاع دهد و مخصوصاً در مورد حفاظت ذخایر نفت کاربرد از اصول صحیح فنی و مهندسی بیشتر سازگاری. همچنین به موجب بند (ی) ماده یازدهم، هیچ عامل مجبور نخواهد بود که نفت را با مقداری زاید بر آنچه از لحاظ فنی جایز است تولید کند...

چانهک در بند (ک) بخش سوم این مقاله دیدم، جمعاً ۱۲ قرارداد بررسی قانون نفت ۱۳۳۶ متفق شده است. به عنوان نمونه، رعایت حقوق و منافع ملی در نخستین قرارداد که در سال ۱۳۳۶ با شرکت انتالیا آجیب مینیاریا متفق شد و به قرارداد سیرپ معروف است، به شرح ذیل اجمالاً بیان می شود. بنده (ا) ماده ۹ به یکی از تهدیدات سیرپ صراحی اش اشاره می کند: «راعی حقوق و منافع ایران در اجرای عملیات اکتشاف و توسعه، که دقیقاً مشابه جزو (و) ماده ۴ قرارداد کنسروپمو ی می باشد. نکته جالب اینکه عارت فوق الذکر در جمع ۱۲ قراردادی که به موجب قانون نفت ۱۳۳۶ متفق شده است به چشم می خورد.

علی رغم تصمیم ماده ۴ قرارداد سیرپ مبنی بر اینکه ۵۰ درصد از سرمایه اولیه شرکت مبنی بر شرکت ملی نفت ایران و ۵۰ درصد دیگر را شرکت آجیب تأیید خواهد نمود (و) لذا دو گروه مزور در مورد تشکیل هیئت مدیره نیز دارای حقوق متساوی خواهد بود، منافع ملی در همین ماده، حقوق و منافع ملی به شرح ذیل نقض شده است: هم مدرعمال که در عین حال هتم تأمین یک را نیز خواهد داشت از طرف شرکت آجیب مینیاریا با معنی می شود... و اگر امور فنی شرکت به دست کارشناسان سپرده خواهد شد که به معنی آجیب مینیاریا به انتخاب مدیرعامل تعیین خواهد شد. منظور از اینجا امور فنی، اداره امور اکتشاف و توسعه به سوی امور پردازش و حمل و نقل و بارگیری می باشد، به ترتیب مشابه، بر طبق ماده ۶۸ «همه تغییرات اکتشافی و همچنین تعیین شرایط و طرح اجرای آنها بر عهده آجیب مینیاریا می باشد».

مسیر سیاسی مهم تولید صنایع در این قرارداد مفهوم مانده است به گزارش ۱۲ که «سیرپ مسیر که از طریق بود که کاربرد عبارت «جدیدترین طرح فنی معموله صنعت نفت» به هیچ وجه دلالت بر رعایت موازین تولید صنعتی نمی کند ضمن آنکه تاکید بر حداکثری تولید در این ماده،
مزیک‌های مطلوب قراردادهای نفتی: روند به تایید - تاریخی ۹۳

خلاف تولید صیانتی است.

آنچه در قرارداد سریع‌تر گفته شد، قابلیت تعیین به سایر قراردادهای دواده‌گان دیگر را ندارد. به عنوان مثال، قرارداد بی‌پی‌بینیکو (۳۴۴۶) (قرارداد شماره ۱۲ مندرج در بند ک به‌جای سوم این مقاله) بر رعایت موافقتی صیانتی تأکید می‌کند: "رعایت اصول صحت فنی و مهندسی در حفاظت ذخایر هیدروکربور و در اجرای عملیات مقرر در این قرارداد به طور عمومی، (بدن ۱ ماده ۱۳). همچنین حق نظارت نیز در بند ۴ ماده ۱۳ این قرارداد تصویب شده است: "فراهم کردن وسایل برای نمایندگان بی‌پی‌بینیکو که در هر موقع مناسب عملیات مورد این قرارداد و وسایل ابزار و گیری و سنگینش و آن‌ها را بازرسی نمایند....

در سه قرارداد خدمت (پیمان‌کاری) که قبل از تصویب قانون نفت ۱۳۵۳ (پیمان‌کاری) منعقد شد، بدون استناد رعایت حقوق و منافع ملی صرفاً بیان شده است. به عنوان مثال بند (د) جزء ۲ ماده ۱۱ قرارداد ارای مصوب ۱۳۴۵، شرکت خارجی را تعمیم می‌کند به «توجه دائم به حقوق و منافع ایران در جریان عملیات خود»، از سوی عربات در دو قرار دیگر نیز دقتاً به همین صورت ذکر شده است و چنان‌که می‌دانیم عیناً از بند ۶ جزء ۴ ماده ۴ قرارداد کسرسیم (۱۳۳۸) کی برادری شدمست، همچنین بند الف جزء ۲ همین ماده، پیمان‌کار را ملزم می‌کند به اجرا کامل در اینه عملیات اکتشافی در نواحی اصلی و اگزگاری در خنکی و دریا به حذف اعلا طبق اصول صحت فنی معمول به صحت فنا نیازی یابد. بر طبق بند (ج) جزء ۲ همین ماده، "فرآیند کردن وسایل نمایندگان یکند، پایان می‌یابد.

تا نمایندگان شرکت ملی نفت ایران قانون در هر موقع ممکن عملیات مقرر در این قرارداد را بازرسی نمایند؛ از جمله تعمیدات ارای است. با وجود این، جزء ۱ همین ماده ۲۲ مقر می‌کند که در طول مدت به‌هم‌برداری، برنامه‌های عملیات و هدف‌های مربوط به وسیع‌پای کلی با مشورت شرکت ملی نفت ایران بهره و ... به مورد اجرا گذارده شود. این بند به موضوع با منافع ملی نامزگاری دارد زیرا گذشته شرکت ملی نفت را به سطح مشاور تنزل داده است. رعایت موازین تولید صیانتی در این سه قرارداد پیمان‌کاری به جز قرارداد سوم، صرفاً بیان نشده است. در قرارداد پیمان‌کاری اکتشاف و تولید بین شرکت ملی نفت ایران و شرکت‌های اروپایی (مصوب ۱۳۴۸) برای توقع بار از وازه MER به عنوان معیار توسط ماین استفاده شده است: "ظرفیت تولید توسط یافته میدان‌ها هرچگونه نیابد از حدود میدان مربوط به رعایت رویت MER..."
ناظر شرکت ملی نفت ایران بر فعالیت‌های طرف قرارداد در بند‌های ۱ و ۲ ماده ۱۸ قانون نفت به روش‌هایی شانه است: شرکت ملی نفت ایران مفکر خواهد بود که در مورد هر قرارداد نظارت و بازرسی کامل و موثر در عامل محاسبه می‌کند که این اعمال می‌تواند به علت قرارداد ملزم خواهد بود که کلیه فعالیت‌های خود را با موافقت و تصدیق شرکت ملی نفت ایران انجام دهد و هرگونه اطلاعات را طبق نظر و دستور شرکت ملی نفت ایران به نحو جامع و رضایت بخش بهره و تسلیم نماید. در دوره رعایت موازین تولید صنایعی از مخازن نفت، بند ۲ ماده ۱۷ قانون مقرر می‌کند که هر میاند نظارت بر دارایی‌ها و تکنیک‌ها و تشکیل مانند ممکن و هیچ‌گونه اطلاعات را طبق نظر و دستور شرکت ملی نفت ایران به نحو جامع و رضایت بخش بهره و تسلیم نماید. در دوره رعایت موازین تولید صنایعی از مخازن نفت، بند ۲ ماده ۱۷ قانون مقرر می‌کند که هر میاند نظارت بر دارایی‌ها و تکنیک‌ها و تشکیل مانند ممکن و هیچ‌گونه اطلاعات را طبق نظر و دستور شرکت ملی نفت ایران به نحو جامع و رضایت بخش بهره و تسلیم نماید. در دوره رعایت موازین تولید صنایعی از مخازن نفت، بند ۲ ماده ۱۷ قانون مقرر می‌کند که هر میاند نظارت بر دارایی‌ها و تکنیک‌ها و تشکیل مانند ممکن و هیچ‌گونه اطلاعات را طبق نظر و دستور شرکت ملی نفت ایران به نحو جامع و رضایت بخش بهره و تسلیم نماید. در دوره رعایت موازین تولید صنایعی از مخازن نفت، بند ۲ ماده ۱۷ قانون مقرر می‌کند که هر میاند نظارت بر دارایی‌ها و تکنیک‌ها و تشکیل مانند ممکن و هیچ‌گونه اطلاعات را طبق نظر و دستور شرکت ملی نفت ایران به نحو جامع و رضایت بخش بهره و تسلیم نماید.
ویژگی‌های مطلوب قراردادهای نفتی: روابط اقتصادی - تاریخی ... ۹۵

اشته شده ماده ۲ است که بر تولید صیانت تأکید می‌کند: وزارت نفت مکلف است که در جریان عملیات نفتی ضمن برنامه‌ریزی‌های صحیح، نظارت و مراقبت کامل جهت صیانت ذخایر نفتی و حفاظت منابع طبیعی و تأسیسات و جلوگیری از آلودگی محیط زیست (هوای، آب و خاک) با هماهنگی سازمان‌های دیگر به عمل آورد.

آرزوی زیگر رعایت حقوق و منافع ملی در قراردادهای بین‌ملی نیازمند دسترسی رسمی به اصل قراردادهای است. با توجه به محرومان بودن این قراردادها نمی‌توان در خصوص این ویژگی در قراردادهای بین متقابل اظهار نظر کرد، اما می‌توان با اطمینان گفت که شرکت‌های نفتی مطلقاً نگران عبارت دیگر از حقوق و منافع ایران در انجام عملیات خود به سود شرکت‌های نفتی در حال مکاله می‌شوند. محداثان ایرانی در تشخیص مصادر حقوق و منافع ملی در عملیات نفتی است.

چنانچه در بخش سوم دیده، قانون نفت ۱۳۹۰ دروازه قانون اصلاح قانون نفت ۱۳۶۶ است و لذا رعایت حقوق و منافع ملی در قراردادهای نفتی را در همان سطح قانون نفت ۱۳۶۶ دیده است.

با وجود این، یکی از نواحی های این قانون، تأسیس هیئت نظارت بر منابع نفتی است که به موجب بند ۲ ماده ۱۷۰ قانون، مسئولیت بررسی و ارزیابی اجراي سياست‌های راهبردی... در قرارداد صیانت از منابع نفت و گاز... را بر عهده دارد که یکی از مصادر رعایت حقوق و منافع ملی است و شرح کاسته‌های آن در مباحث پایانی بخش ۴ این مقاله گذشته.

۶. انتقال دانش و مهارت‌های فنی مناسب

در قرارداد روتر (۱۵۴۱، مطلق با ۱۷۸۲ میلادی) هیچ اشاره‌ای به مسئله انتقال دانش و مهارت‌های فنی در بهره‌برداری از مخازن نفتی کشور نشده است به جز فقره (ماده) بیست و سوم: ... دولت عليه ایران نیز از طرف خود علاوه بر آن عمله جات خارجه که کمپانی مختار است به میل خود اجیر نماید، هرقدر عمله که کمپانی به جهت اجرای این اعمال مخلوعه لازم داشته باشد به قیمت متفاوت مملکت از بارای کمپانی پیدا خواهد کرد!

در امتیازه‌مان دارسی (۱۸۸۰، مطلق با ۱۹۰۸ میلادی) نیز هیچ کشور توجهی به تریپریو انسانی در صحت نفت نشده است. به موجب فصل هشتم این امتیازه‌مان، «صاحب امتیاز مکلف است که بدون تأخیر و به خرج خود، اجزای علمی لازم به اسپاب و آلات و ادوات استخراج به
جهت تمکین و کدنامه‌گذاری و انتخابه‌گذاری از آزمون‌های فرستنداً فصل یک نیم مقرر می‌کند که اطراف می‌ریزد و نقشه‌گذاری، لوله‌ها به توسیع مهندسین صاحب امتیاز و یا خود او خواهد بود. تنها موردی که به استفاده از نیروهای ایرانی در عملیات نفت اشاره شده است فصل دوازدهم می‌باشد که مقرر می‌کند «عمله و فعاله که در تأسیسات فنی کافی می‌کند باید رعیت شاهنشاهی باشد به استثنای اجزای عملاً از قبل مدریب و مهندس و عملاً و مباشرین!»

سیره انتقال دانش فنی و تربیت نیروی انسانی برای اولین بار در امیتازنامه شرکت نفت انگلیس و ایران (۱۹۲۳، مطالب با ۱۳۴۳ میلادی) که در واقع ادامه همان امیتازنامه‌ی نفتی که شکل جدید است به صورت مشخص بیان شده است: مسلم است که کمیته‌ی صنعتی و مسکن‌های فی و تجاری خود را به ناوگان ایران که اشخاص ذیصلاح و با تجربه در ایران یافت، می‌شود از این ابتدا یک انتخاب خواهد کرد و این نیز مسلم است که مستقیم‌های خارجی که کمیته‌ی مختصراً از انتخاب ایران‌ها ریاد و در دوازدهم ماه ۱۳۴۳ میلادی، بر طبق بندگی‌های ۳ و ۱۷ هفته ماهه، «طرح‌های میان‌مریدی در اینکه طرح عمومی، مطالعه، تهیه نمایندگی، به طلب آن هر سال و مربی مستقیم‌های غیر ایرانی را تقابل داه و به جای آنها به طور تصادفی در کانال‌های مصداقی از انتخاب ایران بگماشند» که به صنعت نفت را فرا گیرین تخصص خواهد داد، به سهولت ملاحیه می‌شود که تحقیق اهداف این ماه، منظور و وجود مداری‌های محاسبه‌ی و منعی در صنعت نفت کشور است که به‌توان در گریزش افراد مستعد، آموزش و انتقال دانش و مهارت‌های فنی نقش اساسی ایفا کند زیرا که شرکت‌های خارجی بنا به اقتضاء عمل‌های تولید شرکتی خود، هیچ گاه ممکن واقع ندارند که ایرانیان را به نحوی تربیت کنند که جایگزین نیروهای خارجی شوند. عمل‌کرد شرکت‌هایی طرف خریداری در طول تاریخ صنعت نفت موجب این فرضیه است.

در دو امیتازنامه‌ای که بدو شرکت نفتی در خارج از جوی عملیات شرکت نفت انگلیس و ایران اعطا شده نیز هر یک از امکانات توجه شده است. بندگی‌های ۲ و ۴ ماهه رهبرداری شرکت آمریکایی ایران مصوب ۱۳۷۱ (۱۹۳۳ میلادی) دقیقاً همان بندگی‌های ۲ و ۴ ماهه امیتازنامه شرکت نفت انگلیس و ایران است با این تفاوت که به ومرگ بند ۴ ماهه، این شرکت آمریکایی ایران «سیاسائی» را مبلغ ده هزار امریکایی مصوب برای انتخاب ایران در آمریکا علوم و فنون مربوط به صنعت نفت را فراگیرند تخصص خواهد داد...» همچنین، افرادا اکتشاف و استحکام معاون دو ناحیه مبتنی با
وزیکه‌ای مطلوب قراردادهای نفت: رویکرد اقتصادی - تاریخی

شرکت هندی الگمن اکسپاتوری ماجایای مصوب ۱۳۸۴ (۱۹۹۴ میلادی) نیز به استفاده از نیروهای ایرانی توجه دارد. (بدن ۲ ماده ۲۰).

بعد از میلشدن نفت، توجه به ترتیببری عناصری در صنعت نفت مورد توجه جدید قانونگذاری قرار گرفت. در بند (ه) بخش سوم این مقاله دیده که موجب طرح قانونی دانه به طرف اجرای اصل میلشدن صنعت نفت در سراسر کشور مصوب ۱۳۸۰ ارائه‌شده، هیئت مختلطی به انتخاب هر یک از ملیشین و وزیر دارایی وقت یا قائم مقام یا تشكیل شد تا بلافاصله از شرکت نفت انگلیس و ایران خلع یا کند. به موجب ماده ۵ این طرح قانونی، برای تبدیل تدریجی متخصصین خارجی به متخصصین ایرانی، هیئت مختلط مکلف است آن‌نامه‌های فرستادند عدهی محصل به طریق سابقه در هر سال برای فراگیرن رشته‌های مختلف معلومات و تجربیات مربوط به صنایع نفت به کشورهای خارج را تدوین و پس از تصویب هیئت وزیران به وسیله وزارت فرهنگ به موقع اجرا پیگیری می‌شود. مخرج تحصیل این محصلین از عواید نفت پرداخته خواهد شده (امور حقوقی صفحات ۱۴۲ و ۱۴۳).

همچنین در بند (ه) بخش سوم این مقاله دیده که لایحه قانونی اساسنامه شرکت میل نفت ایران در ۶۰ ماهه در ۵ آذرماه ۱۳۳۱ به تصویب رسید. بند نهم ماده ۴ یکی از مطالب اساسی شرکت میل نفت ایران را تعلیق کرد: به دست آوردن اسرار و اطلاعات محرمانه (از طریق خریداری یا طرح قانونی دیگر) درباره اختراعات و طرح‌ها و طرف‌هایی صنعتی که مورد استفاده قرار گیرند، بر طبق ماده ۷ این لایحه، شرکت موظف است برای حفظ مخازن تحت‌الراضی نفت، مطابق اخیرین ترفقات علمی ممکن اقدام نماید، بنابراین در اولین اساسنامه شرکت میل نفت ایران نیز بر تولد صلیبی از مخازن نفت کشور تاکید شده است.

در قرارداد کسرسوم مصوب ۶ آبان ۱۳۳۲ بر استفاده از نیروهای ایرانی و ترتیب ایرانی برای تصدی مسئولیت‌های کلیکی تاکید گردید که جدی تا که استفاده از کارمندان خارجی و اطلاعات از اینکه تا حدودی که معلوماً عملی باشد بیگانگان فقط برای تصدی مقامات استفاده شود که شرکت‌های عامل توانند ایرانی‌های حاصل معلومات و تجربی‌ها کافی برای ارزیابی مقامات بیان‌دان (بدن ۴ جزء (و) ماده ۴). همچنین بند ۵ جزء (و) همین ماده مقرر می‌کند که تنها طرح و برنامه‌ها با مشورت شرکت میل نفت ایران برای کارآزمایی و تعیین صنعتی و فنی و تشريکه مساعی برای اجرای آن به منظور اینکه ایرانیان با گرفتن تعیید لازم در کوتاه‌ترین مدتی که
فصل‌های اقتصاد ارزی ایران سال سوم شماره ۹

عملای ممکن باشید. جایگزین کارمندان بی‌گانه شوند و هر نوع فرض ممکن برای اینکه ایرانیان در این عملیات شرکت‌های عامل، شاغل مقامات مهم بشنودن، فراهم گردد. با چنین تأکیدی که قانون‌گزار در سال ۱۳۳۳ بر ترتیب نیروی انسانی داخل است منطقه‌ای با همکاری کمک‌هایی در نیروهای شخصی در صنعت نفت نداشته باشیم و حال آنکه هنوز هم ترتیب نیروی انسانی یکی از اهداف اصلی مسئولین وزارت نفت در انعقاد قراردادهای نفتی با شرکت‌های خارجی است. بنابراین، ریشه مواد تریب نیروی انسانی در صنعت نفت را با از دیگر در داده و نه در کاسته‌های موجود در قراردادهای نفتی جستجو کرده.

در قانون نفت ۱۳۳۴، اساساً توجیهی بر ترتیب نیروی انسانی و انتقال دانش فنی نشده است.

برعکس، در بعضی از ۱۲ قراردادی که بر طبق این قانون با شرکت‌های خارجی متعهد گردید مواردی ملاحظه می‌شود که مانع جدی در انتقال دانش فنی بی‌بوده است. به عنوان مثال، به نخستین قرارداد نفتی که بر طبق این قانون در سال ۱۳۳۶ با شرکت آجیب مینیترال متعهد شد و به قرارداد سپرم مربوط است بایستی اجرای اعمال شرکت به سمت کارمندان سپرده در خواهد شد که به معرفی آجیب مینیترال و به انتخاب مدیرعامل آن توسط شرکت آجیب منصب می‌شود [تعین خواهند شد ... تصور از اداره اموار فنی، اداره امور اکتشاف و توجه و به‌بیانی و حمل و نقل و بارگیری فنی نفت می‌باشد]. به‌ترین مشاهده بر طبق ماهه ۶ این قرارداد، «نهی نشده‌ای اکتشافی و همچنین تعین شرایط و طریق اجرای آنها بر عهده آجیب مینیترال می‌باشد.» ملاحظه می‌شود که در این قرارداد، متخصصان ایرانی از ورود به مسائل فنی مهندسی و کسب مهارت‌های فنی عالی شهادت و این در حالتی است که به موجب ماهه ۶ این قرارداد، درصد از سرمایه اولیه شرکت سپرم را شرکت می‌فته نفت ایران ... تأثیر خواهد گرفت.»

آنچه در مورد قرارداد سپرم گفته شد البته قابل تعمیم به سایر قراردادهای دوازده‌گانه نیست.

به عنوان مثال، در قرارداد پگویکو (قرارداد شماره ۱۳ به که بخش سوم این مقاله) که در سال ۱۳۴۴ متعهد شد به ترتیب نیروی انسانی توجیه و پذیرای شده است: به مدت ۵ ماهه ۱۳، شرکت پگویکو را معین می‌کند به استفاده حداقل کارمندان خارجی و اطلاعات از اینکه تا حدودی که معلوم کرده عملی باشد بیگانگان فقط پرای تصدی مقامات استفاده شوند که شرکت پگویکو [پژوهان] ایرانیان حائز معلومات و تجربه کافی برای احراز آن مقامات باید، همچنین، به موجب بند
ویژه‌های متولب قراردادهای نفتی: رویداد اقتصادی - تاریخی

همین ماه، هنگامی که طرح و برنامه‌های برای کارآموزی و تعلیم منظم و فنی و همکاری در اجرای آنها با توجه به این هدف که در نتیجه اجرای برنامه‌های مذکور، تقلید تحریمی و مرتب کارآموزان خارجی به نحوی مرسوم گردید که در محل این امر در برخی نیروهای ایرانی، عده‌ای که کارمندان خارجی حکایت یک‌پیوکاری از دو ورود برای خود کارآموزان که در استفاده آن شرکت می‌باشند تتجاوز نماید. مقامات عالی اجرایی که توسط کارآموزان غیر ایرانی اشغال شده از 49 درصد کل مقامات اجرایی موجود بیشتر نباید.

در سه قرارداد پیمان‌کاری که قبل از تصویب قانون نفت 1353 معقده شد توجه به استفاده از نیروهای ایرانی مدرن‌ترین قانون‌گذاری بوده است. به عنوان نمونه، به ماده 11 قرارداد از ارتباط مصوب 1345، شرکت‌ها مبتنی بر استفاده حداکثر کارآموزان خارجی و اطمنیت از اینکه تا حدودی که محقق است می‌باشد. پیمان‌گذاران فقط برای تصدی مقامات استفاده شوند، که پیمان‌گذار کل نتوانند ایرانیان حائز معرفی و نجیب‌تر برای احراز آن مقامات بیاید.

تأکید قانون نفت 1353 بر استفاده از نیروهای ایرانی و تربیت کارشناسان و متخصصان ایرانی در ماده 20 این قانون به وضعیت ملاحظه می‌شود: استفاده کارآموزان خارجی فقط در مورد مشاغلی مجاز خواهد بود که کارآموزان ایرانی وارد تخصص و تجربه لازم برای تصدی آنها در اختیار نباید. استفاده کارآموزان خارجی در هر مورد با مشورت و اجازه شرکت می‌باشد. نتیجه خواهد گرفت و شرکت می‌تواند این مکلف خواهد بود احراز کند که استفاده خارجی در هر مورد برای مدیران و آنهم مشروط به نهی و سکین کارآموزی ایرانیان باشد که بتوانند در رأس مدت محدود و آنهم مشروط به نهی و سکین کارآموزی ایرانیان باشد که بتوانند در رأس مدت مقرر، جایگزین کارآموزی خارجی گردد.

قانون نفت 1366 نیز همچون در قواعد و قراردادهای نفتی که قبل از آن تاریخ به تصویب رسیده، بود توجه به تربیت نیروهای ایرانی و یکپارچگی نمود آنها با مهندسی کارشناسان خارجی از یک سو و ارتباط مفصل علمی و مهارت نیروهای ایرانی از یک سو در یک دنیا بوده است. به موجب ماده 10 این قانون وزارت نفت مکلف است نسبت به تربیت و تجهیز نیروی انسانی مورد نیاز و راه‌اندازی به تکنولوژی پیشرفته و رسیدن می‌تواند منتفی مصوب نشته، به طرق مقتضی و با بهره‌گیری و تبعیض از سیاست‌های وزارت فرهنگ و آموزش عالی و با در تجهیز و تربیت یکپارچگی و یکپارچگی و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبیق و تطبق...
۷. افزایش سهم شرکت ملی نفت ایران از عواید نفتی
توپچ جدیدی به افزایش سهم دولت ایران (و شرکت ملی نفت ایران) از عواید نفتی، محور اصلی قراردادهای نفتی در طول تاریخ صنعت نفت کشور به‌دست آمده است. این امر ریشه در نگرش مستندان و سیاست‌گران صنعت نفت از یک سو و روز کرد قانون‌گزاران و مدیران ارشد نظام از سوی دیگر به نفت و توسعه اقتصادی دارد. به نظر می‌رسد که قانون‌گزاران و مدیران ارشد در طول تاریخ صنعت نفت، هم‌وهمایی نفتی کشور را به‌عنوان یکی از توسعه‌های اقتصادی کردند. و لذا مدیران صنعت نفت نیز برای افزایش تولید و سرمایه‌گذاری در صنعت نفت و کنترل کشور، از جمله کاستاریهای موجود در قراردادهای نفتی را به‌عنوان فرصت از ساختار و نظام سیاست‌گذاری در نفت جستجو کردند. به عبارت دیگر، به‌عنوان نماینده حکومت و مردمان موجود در روزیکرد قانون‌گزاران و مدیران ارشد نظام به نفت نفت در توسعه اقتصادی را علت اصلی توسعه نفت‌گیسی صنعت نفت دانستند.

ساز و کار به‌وزن افزایش سهم دولت از عواید نفتی در قراردادها در حال حاضر صنعت نفت کشور بحث مفصلی است که مقاله جدایی‌انگیز را می‌طلبد. در این مقاله به همینقد اکتفا می‌کنیم که هدف اصلی در قراردادهای نفتی چیزی جز افزایش درآمد‌های ارزی دولت نبوده‌است.
یوزگیری‌های مطلوب قراردادهای نفت: روش‌کرد اقتصادی-تاریخی

به‌موجب فقره (ماده) دوازدهم امتیازنامه رویتر (۱۲۵۱ میلادی) از محصولات خالص هر معدنی که می‌بایست به کار بی‌بند دوئل ایران از منافع خالصان آن سالی صد پانزده، مرسم و مقرر خواهد داشت. در امتیازنامه دارسی (۱۸۰۰ میلادی)، ساز و کار مهم دولت از درآمد‌های نفت به‌موجب قابل ده‌میانی نمی‌پذیرد، در جهت تعمیم شده است: این صاحب‌الامتیاز از یک طرف و شرکتی که تشکیل کند از طرف دیگر، قرارداد خواهد شد که یک ماه بعد از تأسیس رسمی شرکت اول، صاحب امتیاز مفلک است مبلغ ۲۰ هزار لیره انگلیسی نقداً و ۲۰ هزار لیره دیگر اسهام پرداخت شده به دولت علیه بدهد. علاوه بر آن، شرکت و تمام شرکت‌هایی که امتیاز خواهد شد مكلف خواهد بود که از منافع خالصان سالیانه خود، صدی شانزده به دولت علیه سال به سال کارسازی کند.

سهم‌بری در امتیازنامه شرکت نفت انگلیس و ایران (۱۳۲۰، متعلق به ۱۹۳۱ میلادی) که در واقع ادامه‌هنان قرارداد دارسی به شکل جدید است ساز و کار دیگری که به برخی جنبه‌ای آن به اجمال اشاره می‌کنیم. بر طبق بند ۱ ماده ۱۰، مباینی که برحسین این قرارداده من طرف کمپانی‌های به دولت تأیید شود (علیه بر مباینی که در موارد دیگر پیش‌بینی می‌شده) به شرح ذیل تعیین می‌گردد: افزایش در امتیاز سالیانه که از اول زانویه ۱۳۳۳ شروع می‌شود و به مبلغ ۴۰ شیلینگ برای هر هر تن نفت که برای مصرف داخلی در ایران به فروش برده و یا از ایران صادر شود. ب- برداشت مباینی محاسبه بلندتر از ۲۰ درصد آنچه اضافه بر ۶۱۷۲۵ لیره به صبحانه اسهام عادی کمپانی نفت انگلیس و ایران توسعه می‌گردد. ج- مجموع مباینی که برای هر سال محاسبه بر حسب جزئیات الیاف و به‌طور خاص کمپانی به دولت ایران تأیید می‌شود نیاز به ۲۵۰ هزار لیره کمتر باشد.

از سوی دیگر به‌موجب ماده ۱۱، کمپانی برای مدت سی سال اول عملیات خود در ایران، از برداشت هر هر گونه مالاتیانی، معاف خواهد بود و در عوض مبلغ ذیل را به دولت تأیید خواهد نمود: الیاف- در مدت ۱۵ سالاول ۱۰ پنی هر تن از ۶ میلیون تن تیغی که بابت‌سئه‌گذشته مصوب ممکن و امتیاز مطابق در جزئی ۰.۱ بند الیاف از ۱۰ میلیون سبز و بشم بابت تن نفت اضافه بر هر میلیون تن مکرون در فوق تأیید خواهد نمود. ب- کمپانی تأیید می‌کند مباینی را که بر طبق جزئیات فوق ذکر تأیید می‌نماید هیچ وقت از مبلغ ۲۵۰ هزار لیره استبلیس.
کمتریکه اقتصاد ایران/

کمتریکه اقتصاد ایران، سال 6 شمرده.

همه این شناخته می‌شود که جهت باید از این مایلی قرار گرفت و جمعیت ایرانیان، در رقابت این سهم دوستنی از این شناخته می‌کند.

ما در این مورد، ملاحظه می‌کنیم که کاربرد این شناخته، در محدودیت مالی شدن نموده محسوس مربوط به سهم دولت از عواید نفت، هیچ مانند روشن و قابل قبولی در تعیین این ارقام و این نسبت ها و وجود ندارد و می‌توان گفت که نهایتاً جلو گیری کودکانه با ارقام نیست. چگونه کشورهای نفتی بین الپنل، تا چندین دهه، همه کشورهایی در حال توسعه نفتی و از جمله ایران را در گمرک همین محسوس را منفی کرده‌اند.

تا قبل از ملی شدن صنعت نفت در سال 1329، دو قرارداد دیرگیری که برای اکتشاف و تولید در خارج از حوزه عمليات شرکت نفت انگلیس و ایران منعقد شد، الگوی سه‌پرانتوری تقیدی مشاهده می‌باشد. شرکت نفت انگلیس و ایران مصوب 1315 (ثبت نفت سالانه) در ایران به فروشی رسید و یا از ایران صادر شود، تعیین گردید (ثبت الف ماده 6). هنگامی که علاوه بر مبلغ معادل 20 درصد از مالیات که به سهام مالی شرکت توزیع می‌شود (بند ب ماده)، میزان حداکثری پرداخت به تفکیک دوره‌های زمانی در حالی مدت امتیازشان که 15 سال بود نیز در بند ج مالی ماده بنیان شده ام. علاوه براین، به موجب بند الف ماده 8 این امتیاز شرکت موظف بود که از این مبادله ۲۸ درصد هر سال مبلغ ۹ پنس باید میلیونی تتنغی که بابت این غذه می‌شود مسئول حصول امتیاز... می‌گردد و ۶ پنس باید میلیونی نتیجه اضافه بر رقم ۶ میلیون نتیجه در دو فقره پردازد. ملاحظه می‌شود که از این شرایط ادامه داشت.

در قرارداد اکتشاف و استخراج معادن، دو ناحیه معیناً به شرکت هنگام اکتشافات می‌باشد. این دو ناحیه به موجب ماده ۲۸ (۱۳۱۸ ميلادي)، فروهمانی امتیاز سالانه تغییر کرد. به موجب ماده ۴، شرکت از تمام آرام سالانه خود پس از وضع مبلغ قابل، ۵۰ درصد از نآراً به عون حصول امتیاز سالانه به دولت می‌پردازد. هزینه حفظی استخراج و هزینه‌های اکتشافی، ذکری برای تعیین و تجدید اموال، ذکری است به‌طور سرمایه‌ای ارزش یک صدم مال مب neger می‌شود. به موجب ماده نهم، شرکت در تمام مدت امتیاز... از هر گونه مالیات... معاف بوده و در عوض هر سال مبلغ معادل
پیگیری‌های مطلوب فرآیندهای نفتی: رویکرد اقتصادی - تاریخی

۴ درصد حق الانتیز سالیانه... به دولت می‌پردازد.

ساز و کار سهمبری شرکت ملی نفت ایران از عواید حاصل از عامل‌های نفتی در قرارداد
کنسروسم مصوب ۶ آبان ۱۳۳۳ به صورت کامل پیچیده‌ای بیان شده است که به جای تخصیص
آن در این مقاله، با این باید به اصل قرارداد مراجعه نمود. باوجود این، صرف‌اً برای مقابله با ساز و
کارهای موجود در قرارداد اهمیت می‌دهیم که این مورد اشاره می‌کنیم. به طبق جزء الف ماده ۱۲،
شرکت‌های عامل، ذی‌حق به دریافت حق‌العمل‌های زیر خواهند بود: پبد (۱) - شرکت استخراج و
تویید: یک شرکت می‌تواند هر متر مکعب نفت خامی که... تحویل می‌نماید. پبد (۲) - شرکت
تخفیف: یک شرکت می‌تواند هر متر مکعب نفت خامی که... تخفیف می‌نماید.

به موجب پندهای ۱ و ۲ جزء (د) ماده ۱۴ شرکت ملی نفت ایران باید مقدار نفت خامی که
[توجه می‌گیرد] جزء از بدهای خواهند کسب، شرکت اکتشاف و تولید - حق‌العمل
شرکت مزبور طبق ماده ۱۳ این قرارداد و قسمت صحیحی از کلیه هزینه‌های جاری شرکت مزبور،
و به شرکت تخفیف - حق‌العمل شرکت مزبور طبق ماده ۱۳ مذكور و قسمت صحیحی از کلیه
هزینه‌های شرکت مزبور.

در مورد مشارکت در تأمین سرمایه، بند ۱ جزء (د) ماده ۱۷ مقرر کرده است که شرکت ملی
نفت ایران و شرکت عامل مربوطه، تأمین سرمایه لازم برای انجام «هزینه‌های سرمایه‌ای بزرگ» را
به‌سادگی بر عهده خواهد داشت و شرکت ملی نفت ایران به همان دیوانی که شرکت عامل مربوطه
در پرداخت سرمایه سهمی بوده شرکت مزبور بدهکار خواهد شد و این دین را در هزینه که ملی نفت
ایران در ده قسط مساوی سالانه پرداخت خواهد نمود و سرسرید پرداخت اولین قسط فقدان بعد
یک سال پس از شروع استفاده از تأسیسات خواهد بود که برای اینجا آن، دین مزبور تولید شده
است و سرانجام می‌توان به جزء الف ماده ۲۲ اشاره کرد: هر شرکت بازرگانی عادل
۱۲/۵ درصد قیمت اعلان شده مربوطه مقدار نفت خامی که آن شرکت بازرگانی [خیرداری کرده
است] به عنوان پرداخت مشخص به شرکت ملی نفت ایران تعلق ندارد. خواهد نمود، چنانکه قبلی‌گهت
شش مسال مربوط به ساز و کار سهمبری طرفین قرارداد در قرارداد کنسروسم پیچیده و
جالب توجه است و لذا به‌طور کامل به‌صورت اطلاعی اطلاعات و تفصیل بیشتر را می‌توان در
اصل قرارداد ملاحظه کرد.

۱۳۳۶ به کلی نگیر کرد و برای نئشن‌بیار اگراء

ساز و کار سهمبری در قانون نفت
سرمایه‌گذاری مشترک با شرکت‌های تابعه خارجی برای ایجاد ایجاد، و توسعه مالیات در خارج از
وزه عمليات کنترلی خصوصی، به موجب ماده ی این قانون، شرکت می‌فقط ایران با دار
یک از سازمان‌های مشترک با دستگاه‌های مختلف، لااقل به میزان 30 درصد مالی به
برداخت حق اراضی به شرکت می‌فقط ایران می‌داند. به است. هر شخصی که...
با شرکت می‌فقط ایران قرارداد منفعت می‌یابد. با دار در طی دوره قرارداد، مبلغی سالانه به عنوان
حق اراضی برای تمام محلات موضوع قرارداد به میزان شرکت می‌فقط ایران با توجه به وسعت
نامی و خصوصیات مناطق مورد اشتغال، مخصوصاً احتیالات پیشای نفت و سهولت
عرض محصول ناحیه در بازارهای خارج، تعیین خواهد. نمونه به شرکت می‌فقط ایران است. عامل
می‌باشد. رد است حق اراضی سالانه را به انضمام اقساط سالانه و مبلغی که یکجا برداخت نموده جزء
هزینه عمليات جاری سازمان با دستگاه با شخص منظور نماید. (بند الف ماده 9).
علاوه بر حق اراضی، برداخت مالیات‌های نیز از تحصیل‌های شرکت‌های خارجی است: شرکت می
فقط ایران در هر قراردادی که معقد می‌نماید با استیلی، در اختیار این شرکت می‌فقط است جزو هزینه
عمليات جاری خود منفعت می‌یابد. تصمیم کننده تا احتساب مالیات بر در آمدی که به عامل تعق
ی می‌گیرد هزینه می‌باشد. با وجود آن، بد (ز) ماده 11 مقرر می‌کند که: "نرخ مالیات بر درآمده که عاملین باشد... بی‌باید از آن‌ها که در قانون مالیت بر
درآمده مورخ 1335 مقرر شده تجارت نخواهد کرد". از سوی دیگر، "جویشی که از بابت مالیات
بر درآمده و پذیرنده حق به شرکت می‌فقط ایران با دوبلت ایران برداخت می‌شود به دلار
آمریکایی یا هر اندیسی که بر اساس رای دیگری خواهد. بود که شرکت می‌فقط ایران تعیین و
در قرارداد تصمیم نماید..." (بند ح ماده 11)، خاطر نشان می‌شود که این بند، از نظر ویژه است
که فقط در قانون مافت 1336 ملاحظه می‌گردد.
چنان‌که در بند (ک) بخش سوم این مقاله دیده، جمعاً 12 قرارداد براساس قانون نفت
متعهد شد. برای آشنایی بیشتر با نحوه ممکنی در این قانون، به قرارداد منفعت با شرکت آژ
ابتدا اشاره می‌کنم که نخستین قراردادی است که بر طبق این قانون در سال 1336 متعهد شد و به
قرارداد شرکت می‌فقط ایران و آنان با سرمایه‌دار (شرکت عاملی که متعافی تأسیس) متعهد است.
سایر قرارداد‌ها ساختاری مشابه با این قرارداد دارند. به موجب ماده 46، نجف‌زاد درصد از سرمایه اولیه

1. این اصطلاحات در بند (ز) بخش سوم این مقاله تعريف شده است.
ویژگی‌های مطلوب فرآیندهای نفتی: رویکرد اقتصادی- تاریخی ... 105

شرکت سپریب را شرکت ملی نفت ایران و یا شرکت‌های تابعه آن خواهند پرداخت و نپناه درصد
دبیر را شرکت آژاد مینیاریا با شرکت‌های تابعه آن تأمین خواهد نمود. به موجب ماده 5،
شرکت ملی نفت ایران و شرکت آژاد مینیاریا موقوفت ملی‌نامه که سرمایه اولیه شرکت
سپریب ... بر حسب احتیاج عملیات شرکت، به تدریج افزایش یابد. از سوی دیگر، بر طبق مادة

۲۴ شرکت ملی نفت ایران و آژاد مینیاریا نقل می‌نمایند که هر یک تصفیه و مورد نیاز
عملیات سپریب را به همین ترتیب. فروش نفت خام محصول عملیات سپریب ... در بازارهای جهانی به
ارزش‌های مقابل قبول شرکت ملی نفت ایران و آژاد مینیاریا با ارزش‌های مالیات‌های مختلف خواهد شد. همچنین، فروش معیک است به ارزش نگه داشته مورد قبول یکی از
طرفین باشند اندام گزینه سود که سهمی طرف دیگر روی بر ارز
مورد قبول او پرداخت کند.

سهم دولت ایران و شرکت ملی نفت از عملیات شرکت سپریب در ماده 17 مشخص شده

است: از سوی دیگر، یعنی مجموع درآمد ناپذیره پس از کسر کلیه هزینه‌های جاری عملیات خرید
der ایران و خواهد در خارجه که شامل مخارج اداری و استحکام و زبان‌های مدرکی در بنده (د) ماده
35 قانون راجع به مالیات بر درآمد مورخ 1328 نیز خواهد بود، نصف به عنوان مالیات و حقوق
دولت به دولت ایران انداخته خواهد گردید. و نصف دیگر بین المناصبه یکی از
شرکت ملی نفت ایران

و آژاد مینیاریا تقسیم خواهد شد. موارد فوق الذکر در کلیه 12 قراردادی که به موجب قانون

نفت 1336 منعقد شده است با درجات مختلف و چیزیگی و نیز دریافت حق الآرس ملاحظه

می‌شود که برای بررسی بیشتر باید به اصل قراردادها مراجعه شود.

در بنده (ل) بخش سوم این مقاله دیده که جمع‌سازی ها فرآیندهای خدمات در خلال سال‌های 1345 تا

1348 در چارچوب نظام پیمان‌کاری منعقد شده، و این دلالت است که قانون پیمان‌کاری، درال

1348 به تصویب رسید. اگرچه مهاری در این قراردادها بودن تریب بود که شرکت خارجی

با بابت خدمات فنی، مالی و بزرگانی، حق‌اللم‌های دریافت می‌کرد و در عنوان هزینه‌های

مربوط به اکتشاف و ارزیابی و توسعه مالی را به صورت وام در اختیار شرکت ملی نفت ایران

قار می‌داد به شرحی که در بنده (ل) بخش سوم این مقاله ملاحظه شد. برای توضیحات بیشتر به

ماده ۲۹ قرارداد اراط (مصوب 1345) اشاره می‌کنیم. به موجب جزء اول این ماده، شرکت ملی

نفت ایران متعهد است که از ۳۵ درصد از نظریت تولید قابل بهره‌برداری یا تصحیح
106
فصل‌های اقتصاد ارزی ایران سال سوم شماره 9

شده هر میدان را و قیمت‌های [تعیین شده] به صورت قبیلی به ارباب اجاره و در هنین ماده، ساز و کار تقریباً پیچیده‌ای برای قیمت‌های تعیین شده در نظر گرفته شده است که به‌ناهی‌اکثر است
با مبلغ معاقد 60 درصد از مبلغ تفاوت بین قیمت واقعی هر تبعه و جمع اقلام [مربوط به استهلاک هزینه‌های اکتشاف، هزینه‌های عملیات ارزیابی و توزیع و ...] بند 21 و جزء 29 ماده
اشتراکی به سایر بندهای این ماده. برای آشنایی بیشتر با سازوکار سهمیه دراین قراردادها
ضروری است به اصل قراردادها مراحل شود.

ترینامات مالی و نحوه سهمبری در قانون نفت ۱۳۵۳ که مبنی بر نظام پیمانکاری است به اعمال
در بند (ز) بخش سوم این مقاله بیان شد. به عنوان نمونه، به ساز و کار مهربانی در اولین قرارداد از مجموعه 6 قرارداد پیمانکاری که در چارچوب این قانون منعقد شده است اشاره می‌گردد. سپر
قراردادها تری وضعیت مشابهی دارند. به موجب بندهای 1 و 2 ماده ۸ در قرارداد پیمانکاری با
شرکت فرانسوی نفت، (سی‌اف‌بی)، پیمانکار کل طرف ۳۰ روز از تاریخ اجرای این قرارداد
پیمانکاری، پذیرفته می‌شود به مبلغ ۶ میلیون دلار آمریکایی به شرکت ملی نفت ایران خواهد
پرداخت. پیمانکار کل در طرف دوراکتشاف، حداقل مبلغ ۴۰ میلیون دلار آمریکایی برای
عملیات اکتشاف در ناحیه مشخص شده، خرج خواهد کرد. بر طبق جزء (د) بند ۶ ماده ۸
پیمانکار می‌کند و به شرکت ملی نفت ایران خواهد خرید ۵ میلیون دلار آمریکایی، وقیت که جمع مقدار تولید از میدان توسه‌یافته به مبلغ ۳۵ میلیون شکه بالغ شود و ۵
میلیون دلار آمریکایی دیگر وقتی که جمع مقدار تولید می‌زوره به مبلغ ۷۰ میلیون شکه بالغ شود،
به موجب بندهای ۱ و ۲ و ۳ ماده ۶ پیمانکار کل، تمام وجه لازم برای عملیات اکتشاف و
توسعه میدان ... تا تاریخ آغاز تولید تجاری از آن را تأمین خواهد نمود و وجه فوق. در هدف
سالانه پس از آغاز تولید تجاری، توسط شرکت ملی نفت ایران سهمیه خواهد شد ... نمی‌بهر
معادل نرخ رابط بین طبق اعلام ... خواهد بود به اضافه یک دهلیز
در حال مجموعاً ۹ درصد در حال تجاوز نخواهد کرد، بند ۱ ماده ۱۵ مقرز می‌کند که
به محض آغاز تولید تجاری ... شرکت ملی نفت ایران یک قرارداد فروش به مدت ۱۵ سال با
شرکت فرانسوی نفت متقاعد خواهد نمود که به موجب آن ... ۴۵ درصد نفت خام تولید شده [ایا
تخلف] به شرکت فرانسوی نفت ... فروخته خواهد شد. میزان تخلف را بندهای ۲ و ۳ همین
ماده تعین می‌کند: «مبلغ معاقد یک دهم جمع کل هزینه‌های اکتشاف ... به اضافه یک دهم

پژوهش‌های مطابق قراردادهای نفتی: رویکرد اقتصادی- تاریخی ...

با توجه به آنچه در جزء 1 بخش سوم این مقاله ذکر شد، ماده 1 قانون نفت 1386، اتفاق قراردادهای پیمانکاری بطور دیرکاری در عملیات نفتی تعیین شده است که موضوع این قانون است. از این رو به نظر می‌رسد که ب‌تواند این قانون تبعیضی بر شرکت‌های خارجی صرف‌هایی در خارج است. از سوی دیگر، چون اتفاق قراردادهای مهم در مابین وزارت نفت با اشراف حقوقي و حقوقی داخلی و خارجی و با آن‌های نامه‌ای خواهد بود که به پیشنهاد وزارت نفت به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید (ماده 5)، نظر به اینکه این آتی‌نامه هیچ‌گاه نه‌ی نتیجه‌گیری نمی‌باشد نمی‌توان راجع به مزیت و نقص محاسبه حاصل‌الرحمه پیمانکار اظهار نظر نمود. فقط به همین نظر اکتفا می‌کنیم که از شواهد موجود چنین بی‌می‌آید که این سازوار پیمان‌بر مشاب قراردادهای معطوف به طبق قانون نفت 1386 است. به عبارت دیگر، کلیه هزینه‌های مربوط به اکتشاف و ارزیابی و توسعه میدان که در میان قرارداد ذکر شده است از طرف پیمانکار تأمین می‌شود و حاصل‌الرحمه گزارش می‌شود و پدیده پیمانکار از محل فروش درصدی از تولیدات همان میدان (با سایر میابند) به صورت اقساط سالانه و درخلال مدت زمان معین تا‌آمیز خواهد شد. هرگاه تولید از میدان به سطح مقرر در قرارداد رسد و استمرار آن با شرایط مندرج در قرارداد تطبیق کرد آنگاه مدیریت میدان به شرکت ملی نفت ایران منتقل می‌شود. هرچند می‌توان از شرکت طرف قرارداد به عنوان مشاور در مرحله تولید نیز استفاده نمود. در فرآیند بهبود قراردادهای بی‌میانه و کارایی معرفی شده است که به موجب آن می‌توان هزینه‌های سرمایه‌گذاری مندرج در قرارداد را با توجه به شناخت دقیق تری که از رفتار معنی در زمان حاصل می‌شود، به صورت محدود مورد تجدیدنظر قرار داد. به‌همهٔ اینست که مدت زمان قرارداد بی‌میانه می‌تواند با توجه به انعطاف‌پذیری
8. جمع بندی و نتیجه‌گیری

در این مقاله، چهار ویژگی مطلب در فقراده‌های نفتی را بررسی کرده‌ایم: حاکمیت و مالکیت بر منابع نفتی، رعایت حقوق و منافع ملی در جریان عملیات نفتی، انتقال دانش و مهارت‌های فنی مناسب و افزایش سهم دولت از عوائد نفتی. این چهار ویژگی، و سایر ویژگی‌های مطلبی که در این مقاله بررسی شده است همواره ارتباطی بیان میده زمینه‌ای که موجب اشتغال ویژگی مطلب در اجرای طرح‌های بزرگ نفتی و یا ارائه شرکت ملی نفت به سطح شرکت‌های ملی - بین المللی نفتی - نهایتاً در راستای تأمین منافع ملی از منابع نفتی کشور در بلند مدت است. از سوی دیگر، هدف شرکت‌های نفتی خارجی که براساس اصول بین‌گذرانی عمل می‌کنند، دکترکترسبای سود و تأمین منافع سهامداران است. عملکرد این دو فروآیند متعارض، علت اصلی نفوذ فقراده‌ها بر اصلاح، تعیین و تجدیدنظر آنها بوده است.

بررسی کلیه فقراده‌های نفتی در طول تاریخ نفت کشور، که در بخش سوم این مقاله اجتمالاً به آن پرداخته شد، نشان می‌دهد که مقامات قانونگزاری و اجرایی کشور هیچ‌گاه نسبت به رعایت این ویژگی‌های چهارگانه در فقراده‌های نفتی به ناکامی بوده‌اند. با وجود این، آنچه نهایتاً در شکل ظاهری و عملکرد فقراده‌ها ظاهر شده است مزیان درک قانونگزاری و دولتمردان نفتی اباع مختط و عمل این ویژگی‌ها از یک سو و سطح دانش، مهارت و تجربه کارشناسی و متخصصان نفتی کشور از وضعیت مخلّمان و بی‌سرفه‌های دانش فنی در کلیه سطوح عملیات نفتی، از سوی دیگر است. بدیهی است که اگاهی از تحولات بازار جهانی نفت و سایر حاملهای ارزی، جایگاه و نقش بازاران اصلی این بازار به وزارت شرکت‌های نفتی بین المللی بی‌سرفه‌های جدید در اقتصاد سیاسی نفت، ساختار و سازگار بازار جهانی سرمایه‌های تایید آمیز، سرمایه‌های متولی حقوقی نفت، تحولات ساختمانی- تاریخی فقراده‌ها در کشورهای مختلف و سرمایه‌گذاری کالایی به فنون مذاکرات نفتی از دیگر شرایط دستیابی به قراردادهای بیمه نفت از لحاظ ویژگی منافع ملی در بلند مدت می‌باشد. از این رو، تنظیم و اجرای صحیح قراردادهای نفتی مستلزم همکاری تزیک اقتصاد دانان و متخصصان مالی، صاحب نظران روابط بین الملل، تاریخ دانان و حقوق دانان نفتی با کارشناسان و متخصصان فنی نفت است.
ویژگی‌های مطلوب قرارداد‌های نفتی: روندگرد اقتصادی - تاریخی...

ارزش‌پذیری و سنجش دقیق قرارداد‌های نفتی منعقده و یا طراحی قرارداد‌های جدید، بدون ملاحظه نشان این قرارداد‌ها در تحقیق سیاست‌های ملی ارزی امکان ذهنی نمی‌باشد. سیاست‌های ملی ارزی در خلال زمان و با توجه به نیاز در وضعیت و شرایط مذاکه‌گری نفتی، ارائه‌های یا گیرنده‌ها و شرایط اقتصادی ملی، منطقه‌ای و جهانی تغییر می‌کند. به عوان مثل، اگر فرصت حذف کمک‌های ارزی برداشت از مذاکرات نفتی و رعایت موازین تولید صنایعی در اولویت سیاست‌های ملی ارزی است و یا اگر ارائه سطح تخصص و مهارت‌های نفتی بر بخش بالادستی و یا بهبود توان مدیریت مدل متن، شرکت ملی نفت در اجرای طرح‌های برگ‌زدن نفتی و کسب یا انجام همکاری با شرکت‌های بزرگ ملی - بین‌المللی نفت از اهم سیاست‌های ملی ارزی محسوب می‌شود آنگاه قرارداد‌داد مطلوب خواهد بود که کاراکتری لازم تحقیق این اهداف را داشته باشد. در غیر اینصورت، ملحوظ کردن ویژگی‌های مطلوب در قرارداد‌های نفتی، جزیی شعرهای زیبا، فریب‌زدگی و تزئینی نخواهد بود.

رعایت حقوق مالکیت و حاکمیت بر منابع نفتی در قراردادها که موضوع بخش چهارم این مقاله بود، در اینجا مسائل قانونی و اجرایی برای تأمین حقوق و منافع ملی در جریان عملیات نفتی را فراهم کنید. کنترل بر بخش جهانی، پیش از آن قانون ملی شدن نفت مصوب ۱۳۲۹، اعمال حقوق حاکمیت و مالکیت بر منابع نفتی برای تخصیص به در قانون نفت ۱۳۵۳ ملاحظه می‌شود: «اعمال حق حاکمیت و مالکیت منابع نفت ایران باید به منابع نفت... منحصراً به همراه شرکت ملی نفت ایران است...» (بند ۱ ماده ۳)، و به موجب ماده ۱۹، نفت تولید شده از منابع نفتی ایران در مالکیت شرکت ملی نفت ایران خواهد بود. شرکت مزرع برمی‌تواند هیچ قسمت از نفت را مادام که استخراج نشده است به غیر انفعال دهد.»

متأسفانه قانون‌گذاری تا حدود ۴۰ سال بعد از تصویب این قانون، نهادی برای نظام نفتی بر اعمال حق حاکمیت و مالکیت بر منابع نفتی تعیین نکرد تا آنکه به موجب ماده ۳ قانون نفت مصوب ۱۳۹۰، اعمال حقوق بر اعمال حق حاکمیت و مالکیت عمومی بر منابع نفتی، برای کسب بهتر نتایج بر منابع نفتی، قرارداد که مشکل از ۱۰ سال است، مورد نظر است. این اتفاق نفت هستند و لذا می‌توان انظار داشته باشد که: «در بازار اجرا نمی‌توانان اعمالی نهایی بی‌خاتمه و یا تخصصی این هیئت علیا را داشته باشند. بنابراین، در مورد این تخصصی، این هیئت علیا را تجربه و مستقل، این هیئت علیا بی‌کارتری غیر

۱ دادستان کل کشور، معاون برنامه ریزی و نظام‌های جمهوری، وزیر امور اقتصادی و دارایی، رئیس کل بانک مرکزی، رئیس کمیسیون برنامه و بودجه و معاون‌الملک مجمع شورای اسلامی.
110 فصلنامه اقتصاد ارزی ایران سال سوم شماره 9

تخصیصی، بتواند وظایف خطری همچون بررسی و ارزیابی اجرای سیاست‌های راهبردی و برنامه‌های مصرف وزارت نفت در اندازه‌گیری صیانت از منابع نفت و گاز به منظور برداشت بهینه و حفاظت‌سازی ارزشی از رشد اقتصادی منابع ذخیره‌نفت و بهبود ساختار صنعتی و حجم مالی، نتایج آن به خود انجام دهد؟ متأسفانه قانونگرایان، درخصوص ضرورت تشکیل این هیئت‌های تخصصی کلاه‌سانی ساکت است و صرفاً به چگونگی تشکیل و اداره جلسات هیئت عالی... به‌صورت ماده 24، اشاره می‌کنند.

علاوه اینچه، به فاقدی از شعار معروف توافق دائم شرکت‌های نفتی خارجی بحقوق و منافع ایران در جریان عملیات نفتی که صورت اولیه آن در ماده 21 امتیازنامه شرکت نفت انگلیس و ایران (1312) و صورت نهایی آن در قرارداد کنسرسیوم (1337) ساخته و پرداخته شد و سپس در کلیه قراردادهای بعدی نیز به کار رفت، در حالی که تخصص و دانش کافی برای شناخت مصادر این حقوق و منافع و نظارت بر حسن اجرای آن وجود نداشت، کلیه جالب توجه اینکه حتی برخی مصادر این حقوق و منافع از دریافت مورد توافق قانونگرای قرار گرفته بود. به عنوان مثال، تأکید قانونگرای در این خطر نظرات شرکت ملی نفت بر عملیات مالی و فنی شرکتهای خارجی به ویژه رعایت موازین تویید صیانتی که برای نخستین بار در امضاء شرکت نفت انگلیس و ایران ملحوظ شد (مواد 12 و 14) و سپس در کلیه قراردادهای بعدی نیز کی پردازدار گردید، نه تنها مستلزم وجوه مهندسی و کارشناسی متخصص و با تجربه است بلکه نیازمند مشورت‌های لازم و فضای حمایتی برای اعمال نظارت بر عملیات شرکتهای خارجی است.

متأسفانه علی‌رغم تأکید در قوانین و اساسنامه‌ها، ثبت نیروهای فنی و متخصص مورد توجه نهایی مقامات نفی کشور بهره است. برای تبیین این حقیقت و به نگهداری از اهداف که به ویژه موجب پیشنهاد ملی شدن صنعت نفت ایران، که به توسیع جمعی از نماینده‌گان در تاریخ 8 آذر 1329 به مجلس شورای ملی تقدیم شد، پیشنهاد گردید که ... صنعت نفت ایران در تمام مناطق کشور بدون استثنای ملی اعلام شود، به‌عنوان عملیات اکتشاف، استخراج و بهره‌برداری در دست دولت قرار گیرد. این پیشنهاد در 24 اسفند 1324 به تصویب رسید، در حالی که دولت فاقد نیروهای تخصصی لازم برای مدیریت این صنعت عظیم بود. در طرح قانونی دانی به طرح اجرای اصل ملی شدن صنعت نفت مصوب 9 اردیبهشت 1330 مقرر شد که آین انمه فرستادن عده‌ای محصل
ویژگی‌های مطلوب قراردادهای نفتی: رویکرد اقتصادی-تاریخی...

برای فرآیند انتخاب و زمینه‌سازی مطلوب قراردادهای نفتی، منابع و تجربیات مربوط به صنایع نفت به کشورها خارج، تدوین شده در کاننده، در تاریخ ۲۱ قانون ترمیم حقوق فرهنگیان مصوب ۱۳۹۳/۰۹/۱۱ مقر رشد که وزارت فرهنگ و وزارت دارایی مصرف انرژی با کمک شرکت عقد نفت... دانشگاه نفت خوزستان را در آبان تأسیس نمایند، امور حقوقی، صفحه ۲۴۵) نیز به صورت نمایند. بدون آنکه بروز مسووی و به عنوان لازم برای مدیریت آن و وجود داشته باشد.

حاشیه آنها در گذشته، به رغم شعارهای زیبا و انگیزه‌برای رعایت حقوق و منافع ملی در قراردادهای نفتی، متأسفانه تخصصی، دانش و تجربه کافی برای نظارت های فنی- مالی بر قراردادها به منظور تأمین منافع ملی، سیاست‌های بود. اما هاکونکه خوشخعلانه عادد کارشناسان و متخصصان نفتی کشور از این پیامدهای نشانه‌برداری شده است به طور مبادله، قراردادهای توافقنامه مصوب ۱۳۹۰، محترمانه تلقی شده است. به‌نیازی، فاقد از تاکیدات قانون‌گزار بر رعایت حقوق و منافع ملی در قراردادهای نفتی، در حالی که تخصص مصایق این حقوق و منافع به عنوان عدم دسترسی کارشناسان مسئول نفتی به قراردادها، عمل‌النفی است.

انتقال دانش و کسب مهارت‌های فنی که سرمایه ویژگی‌های مطلوب در قراردادهای نفتی است وضعیت مشابه با اون ویژگی‌هایی در دوره‌های دیگری توجه به این که، از دریایی مورد تأکید قانون‌گزار بوده است. جانکه در پیش در شیمی این مقاله دیده، به موجب بند ۴ ماده شانزدهم امتدادنامه شرکت نفت انگلیس و ایران مصوب ۱۳۸۲، این شرکت سالانه بیش از ۱۰ هزار لیره استرلینگ برای اینکه اتباع ایران در انگلستان علوم و فنون مربوط به صنایع نفت را فراگیرند. تصویب خواهد داد. از آن زمان به بعد، انتقال دانش و نیروی انسانی در کم و بیش همه قراردادهای نفتی به ویژه بر وظایف مورد توجه قانون‌گزار بوده است. اما امروز، این موضوع تاکید و توجه به قراردادها را بهداشت و زمان و وقت نفت در سال ۱۳۸۰، یعنی حدود ۷۰ سال بعد از تصویب امتدادنامه نفت انگلیس و ایران اجرا شده آن‌همه قراردادهای نفتی از آن زمان تاکید نفت به انتقال دانش و نیروی انسانی به ویژه به‌ویژه در قراردادهای بیش‌تر، که در بخش سوم این مقاله دیده، جنین می‌گوید: "در تمام صحت نفت کشور ۱۵۰ تریلیون نفت وجود دارد. این مجموعه عظیم را نمی‌توان با ۱۵۰ تریلیون نفت کرد. کل استدان بالا با نفت کشور نفت کشور تنها کمتر از ۷ تریلیون است." ۱

1 سخنرانی مهندس بیژن زنجانی وزیر نفت در دانشگاه، اقتصاد دانشگاه، تهران، به ترکیه و روزنامه، به یکسانی ۱۳۹۰ مداد. صفحه ۴ همچنین در کتاب نفت و توسعه (۲) وزارت نفت، شهریور ۱۳۸۱، صفحه ۶۵.
عملکرد قراردادهای نفتی نشان می‌دهد که شرکت‌های نفتی خارجی در پرچم قراردادهای منعقد، نقش فعالی در انتقال دانش و مهارت‌های فنی و تربیت نیروهای متخصص ایفا نکرده‌اند. اگر رشدی در این زمینه قبل از اقلام اسلامی (به ویژه در دهه‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰) و با وجود اقلام اسلامی حاصل شده‌است ناشی از تلاش دانشجویان منتعد و استادان منتعد و دلسرد دانشگاهی و حمایت بخشی مدیران ارشد دستگاه نفت بوده است. سوابق تاریخی نشان می‌دهد که از قراردادهای نفتی نمی‌توان انتظار جنابان در انتقال دانش فنی و تربیت نیروهای متخصص از طرف دانشگاه‌های داخلی، به رشد درون‌زا در اقلام‌سازی علمی و فنی دستیافت و با شناخت دقیق از نیاز صنعت نفت به فن‌آوری‌های جدید، سازوکارهای مناسبی برای انتقال آن و ارتباط تخصص و مهارت‌های فنی طراحی نمود.

اکنون به جمع بندی ویژگی‌های چهارم میراغزی. تاریخ تحول قراردادهای نفتی ایران نشان می‌دهد که قصد جدی قانون‌گذاری در سیاست‌های تحولات صرف‌آفرین و بهمراه پیشرفت‌های مهم دوست‌السلامی‌ها بوده است. جنایات که در بخش هفتم این مقاله دیده می‌شود، جان زنی در سیاست بری در پرچم قراردادهای امتیازی و مشترکی اساساً فذق مبنا اقتصادی بوده و بیشتر شبیه بازهایی کودکانی با ارقام است. باوجود این، ویژگی‌های حقوقی در قراردادهای خدمت (بیمارستان‌ها) ایجاد می‌کند که سازوکار سهمی بر طرفین قرارداد را به حد زیادی مبتنی بر اصول و پایه‌های طبیعی باشد.

حاج آنکه با دقت در ساختار کلی قراردادهای نفتی نشان داده‌ایم که اولاً در این قراردادها هیچ‌گاه به سیاست‌های ملی انرژی در بخش نفت توجه نشده است، زیرا که این سیاست‌ها با اساساً تدوین نشده و با آنکه دلائل آنها در ترتیب قراردادهای نفتی جنابان مشخص نبوده است. ثانیاً، ویژگی‌های مطلوبی همچون عامل هاکیمت و مالکیت ملی بر منابع نفتی، رعایت حقوق و منافع ملی در عملیات نفتی و انتقال دانش و مهارت‌های فنی صرفاً شعارهای زیبا بوده اند که قراردادهای ۱

**۱. برای انتقال‌های دیگر، پرشرفت‌ها منابع مقاله‌ای از انقلاب اسلامی به منابع به‌سرعت دکتر علی مهدوی در مجلس و پژوهش‌شناسی ۲۳ مارچه سواد در مورد پرشرفت‌ها بعد از انقلاب اسلامی، شاخه‌های منابع که دمی‌کردند، یکی از می‌کننده مهم در سطح دکتری با مهارت جدید در انتقال دانشگاه صنعتی شریف و دانشگاههای دیگر، پرشرفت‌ها، و یک دانشجو در حوزه‌های تخصصی نفت (نفت و توسعه ۴۸، صفحه ۴۳) و این روند بر سرعت توزیع پیشنهادات کانونی، مدیریت پرشرفت‌های قراردادهای بین المللی نفت و گاز باید نکشین بار در سال‌های دانشگاه امام صادق(ع) سازمان‌های خود را به هر دوی، دکتر نفت‌ها و گاز با نفت‌ها و گاز برای کتبیک را به وسیله انتقال‌های جدید در هزاران نفت و گاز به کار می‌برد و به‌دنبال ترتیب فضاهای مناسب برای همکاری‌های بین‌رودی در حوزه‌های فنی - مهندسی نفت و علوم اقتصادی، مدیریتی و حقوقی قرار داشته.
ویژگی‌های مطلوب فرآیندهای نفتی: روابط اقتصادی - تاریخی ... 113

نفتی را مزین کرده‌اند. ثالثاً، در کلیه فرآیندهایی که تاکنون معقد شده است، به بهدود توان مدیریت شرکت ملی نفت و ارتباط آن به سطح شرکت‌های ملی بین المللی مطلباً توجهی نشده است. علی این کاسته‌های سی و گزده را هنن رابطه در تبیاهر دولت‌های به بخش نفت، به منابعی تأمین کننده اصلی نیازهای ارزی کشور، جستجو کرد که منابع قابل تخصیص کافی به ویژه در مطالعات بین رشته‌ای در حوزه‌های فنی، اقتصادی، مالی، حسابداری، حقوقی و سیاسی نفت را نیز نباید فراموش نمود.

منابع
الف- فارسی
امور حقوقی شرکت ملی نفت ایران (1381)، مجموعه واتانی و مشتریان نفت، گزارش پژوهشی (پیش از مشارکتی تاکنون)، (1381-1384)، مجله اول صفحات 1414-1 مجلد، جدید دوم صفحات 269-1415، تهران: اداره کل روابط عمومی وزارت نفت، بهمن ماه.
امور حقوقی شرکت ملی نفت ایران (1389)، مجموعه واتانی و مشتریان نفت، گزارش پژوهشی (پیش از مشارکتی تاکنون)، (1388-1389)، مجله سوم، 369 صفحه، تهران: اداره کل روابط عمومی وزارت نفت، خردادماه
سعیدی، علی محمد (1381)، دیدگاه نفت و گاز در بایزه‌های نفت و گاز جهان، مقاله اول از سه مقاله مرحوم دکتر سعیدی در ویژه‌نامه نفت و منابع ملی، مجلس سیاسی و پژوهش، شماره 36، نشریه مرکز پژوهشی مجلس شورای اسلامی، سال نهم، تابستان 1381، صفحات 71 تا 98.